

In the name of God

GRAMMAR

PRONOUNS

ضمایر

تعریف: ضمایر کلماتی هستند که جایگزین اسم می‌شوند و از تکرار آنها در جمله جلوگیری می‌کنند.

- انواع ضمایر
- 1- فاعلی
  - 2- مفعولی
  - 3- ملکی
  - 4- { انعکاسی  
تاکیدی
  - 5- موصولی

SUBJECT PRONOUNS

۱- ضمایر فاعلی

کاربرد ضمایر فاعلی:

	مفرد	جمع	
من	I	we	ما
تو	you	you	شما
او	He / she / it	they	آنها

الف: هنگامیکه به عنوان فاعل یک جمله قبل از فعل بکار روند.

He invited everyone except John.

فعل ضمیر فاعلی

نمونه سوال:

Your father and ..... care about you.

1) I

2) me

3) my

4) mine

ترجمه: من و پدرت به تو اهمیت می‌دهیم.

جواب: گزینه a - قبل از فعل (care) نقطه چین باشد، از ضمیر فاعلی استفاده می‌شود. در محاوره از me استفاده می‌شود.

ب: بعد از عبارت It + be که توسط یک عبارت وصفی توصیف شود.

[ It + be + ضمیر فاعلی +  $\frac{who}{whom}$  + بقیه جمله ]

It was  $\frac{Reza}{he}$  who entered the class first

ترجمه: رضا بود که ابتدا وارد کلاس شد یا او بود که ابتدا وارد کلاس شد.



تکته: هر گاه حرف اضافه مستقل باشد، یعنی متصل به فعل جمله نباشد، مانند جمله فوق، همیشه بعد از آن از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود.

نمونه سوال ۲

Are you pleased with .....

و بست فعل

ترجمه: آیا از خودتان راضی هستید؟

- 1) you                      2) your                      3) yours                      4) yourself

تکته: هر گاه حرف اضافه وابسته باشد یعنی متصل به فعل باشد، بعد از آن ضمیر انعکاسی استفاده می‌شود. به شرط اینکه ضمیر انعکاسی مربوطه هم جنس فاعل باشد (you - yourself) در غیر این صورت مجدداً از ضمیر مفعولی استفاده می‌شود مانند:

ترجمه: آیا از او راضی هستید؟

Are you pleased with him ?

ضمیر مفعولی وابسته فعل

نمونه سوال ۳

Reza is a relative of .....

- 1) I                              2) me                              3) mine                              4) myself

تکته: هر گاه حرف اضافه of در یکی از الگوهای زیر بکار رود، بعد از آن از ضمیر ملکی استفاده می‌شود.

{	a	{	friend	}	of mine	}	من	{	از دوستان	}	یکی
			colleague				من		از همکاران		یکی
			classmate				من		از همکلاسان		یکی
			hobby				من		از سرگرمی‌ها		یکی

POSSESSIVE { PRONOUNS  
ADJECTIVES

۳- ضمائر ملکی و صفات ملکی

صفات ملکی

ضمائر ملکی

م	my	our	مان
ت	your	your	تان
ش	his/her/its	their	شان

مال من	mine	ours	مال ما
مال تو	yours	yours	مال شما
مال او	his / hers / its	theirs	مال آنها

ضمائر ملکی: کلماتی هستند که برای زیبایی کلام جایگزین [اسم + صفت ملکی] در جمله می‌شوند و از تکرار آنها جلوگیری می‌کنند.

توجه: صفات ملکی به تنهایی معنا ندارند، هنگامی دارای معنا می‌شوند که با یک اسم همراه شوند.

زبان عمومی

my	+	father
م	+	پدر

This is my car and that's your car .

اسم + صفت ملکی

اسم + صفت ملکی

در جمله فوق از کلمه car دو بار استفاده شده و برای جلوگیری از آن از ضمیر ملکی می توان استفاده کرد.

This is my car and that's yours .

ضمیر ملکی

نمونه سوال:

He has a good dictionary, I wonder why he never use .....

1) he

2) his

3) him

4) himself

ترجمه: او دیکشنری خوبی دارد، من تعجب می کنم که چرا از مال خودش استفاده نمی کند.

نکته: می دانیم که بعد از فعل هم می توان از ضمیر مفعولی، هم از ضمیر ملکی و هم از ضمیر انعکاسی استفاده کرد. با توجه به معنی در جمله فوق از ضمیر ملکی استفاده می شود.

توجه: معمولاً فراگیران زبان در جمله فوق الگوی زبان مادری را در زبان دوم دخالت می دهند و به اشتباه گزینه d را انتخاب می کنند. مقایسه کنید.

I wonder why he never use himself

ضمیر انعکاسی

تعجب می کنم که چرا از خودش استفاده نمی کند.

I wonder why he never use his dictionary

صفت ملکی

تعجب می کنم که چرا از دیکشنری خودش استفاده نمی کند.

I wonder why he never use his

ضمیر ملکی

تعجب می کنم که چرا از مال خودش استفاده نمی کند.

REFLEXIVE PRONOUNS

۴- الف: ضمایر انعکاسی / تأکیدی

خودم	myself	ourselves	خودمان
خودت	yourself	yourselves	خودتان
خودش	him self	themselves	خودشان
	herself		
	it self		

تعریف: هرگاه فاعل و مفعول در جمله، یک نفر باشد مفعول جمله را اصطلاحاً ضمیر انعکاسی گویند.

ترجمه: رضا برای او یک کتاب خرید.

Reza bought him a book.

مفعول غیر شخص مفعول شخص

توضیح: در جمله فوق him اشاره به شخص دیگری به جز رضا دارد، ولی اگر رضا برای خودش یک کتاب می خرید، جمله به شکل زیر

در می آمد.

a. Reza bought himself a book.

ضمیر انعکاسی

توجه ۱: ضمیر انعکاسی همیشه باید از جنس فاعل باشد، یعنی اگر فاعل I باشد ضمیر انعکاسی آن my self خواهد بود.

توجه ۲: ضمیر انعکاسی را می توان با مفعول غیر شخص جابجا نمود و بین آنها از حرف اضافه for استفاده کرد.

b. Reza bought a book for himself

ضمیر انعکاسی

توضیح: جمله a با جمله b هیچ تفاوتی از لحاظ معنایی ندارد.

ب: ضمائر تأکیدی: هر گاه ضمائر سلف، بلافاصله بعد از فاعل و یا در انتهای جمله واقع شود، به جمله حالت تأکید می دهد.

Maryam herself made a cake

تأکیدی

ترجمه: مریم خودش کیک درست کرد ( یعنی کسی به او نگفت و یا کسی به او کمک نکرد).

=Maryam made a cake herself

ضمیر تأکیدی

نمونه سوال از ضمائر سلف

Buy ..... a new shirt, this one is worn out.

1) you

2) your

3) yours

4) yourself

ترجمه: یک پیراهن نو برای خودت بخر، این پیراهن کهنه شده.

جواب: گزینه d از آنجائیکه جمله با فعل شروع شده، جمله را امری گویند و جملات امری همیشه خطاب به دوم شخص مفرد و یا جمع

می باشد، ( you ) و گزینه d می تواند این انعکاس را نشان دهد.

جملات امری زیر را مقایسه کنید.

{ (You) buy you. غلط

{ (You) buy him درست

{ (You) buy your. غلط

{ (You) buy her غلط

{ (You) buy your self درست

{ (You) buy his درست

{ (You) buy yours غلط

### Any , No , None

any در جملات سوالی به جای Some بکار می رود: مانند

{ There are some students in the class.  
{ Are there any students in the class?

any در جملات منفی به جای Some بکار می رود.

There are not any students in the class.

No در جملاتی که any وجود داشته باشد، می تواند جایگزین any شود به شرط اینکه فعل جمله از حالت منفی خارج شود

مانند:

{ There are no students in the class

توجه ۱- پس می توان نتیجه گرفت که [ no + اسم ] در جمله با فعل مثبت بکار می رود.

None یک ضمیر است یعنی می تواند جایگزین خوبی برای [ no + اسم ] باشد.



توضیح: گزینه b صحیح است چون بعد از فعل از ضمیر مفعولی استفاده می شود و در این جمله چون ضمیر مفعولی اشاره به کفشها می کند پس باید به صورت جمع ذکر شود.

گزینه a مفرد است و نمی تواند اشاره به کفشها داشته باشد.

گزینه c ضمیر فاعلی است بعد از فعل بکار نمی رود.

گزینه d مفرد است و نمی تواند به کفشها اشاره کند.

3. Mahmood and Mohsen are my best friends . I respect both of .....

- 1) they                      / 2) them                      3) themselves                      4) theirs

توضیح: گزینه b صحیح است چون بعد از حرف اضافه (of) از ضمیر مفعولی استفاده می شود.

4. My Car goes very fast, and ..... does too.

- 1) his /                      2) her                      3) their

توضیح: گزینه a صحیح است. با یک نگاه می بینیم که همه گزینه ها از جنس صفت ملکی هستند و از آنجائیکه صفات ملکی به تنهایی بی معنی هستند، پس باید متوجه شویم که his هر دو نقش را بازی می کند یعنی هم صفت ملکی و هم ضمیر ملکی می باشد و در نقش ضمیر به تنهایی دارای معناست و مستقل بکار می رود.

5. Have a nice Journey and look after .....

- 1) him self                      2) my self                      3) ourselves                      / 4) yourself

توضیح: گزینه d صحیح است، چون هم جنس فاعل جمله (you) می باشد. همیشه جمله امر با فعل شروع می شود و خطاب به (you) می باشد.

### Self test

1. Mrs brown .... Will go to the supermarket tomorrow.

- 1) her                      2) hers                      / 3) herself                      4) she

2. I'm sure the book isn't ..... Isn't it yours?

- 1) me                      / 2) mine                      3) my                      4) myself

3. Parvin and Nasrin never borrow my dictionary. They prefer to use.....

- / 1) theirs                      2) their                      3) they                      4) themselves

4. Mina cut her fingers and ..... painful at this moment.

- 1) it's                      2) she's                      3) they're                      4) herself

5. I haven't tried it ....., but I'm told that karate is very good exercise

- 1) I                      2) me                      3) mine                      / 4) my self



ضمایر موصولی

RELATIVE Pronouns

کلماتی هستند که یک عبارت وصفی را به یک اسم متصل می کنند و باعث می شوند آن اسم در نظر شنونده معرفی شود. ضمایر موصولی زیر می توانند یک عبارت وصفی را به اسم نسبت دهند.

[ خبر + عبارت وصفی + که + اسم ]

۱- **Who** ( که فاعلی ) فقط برای انسان فاعل بکار می رود.

The man is a police officer. He lives next door.

The man who lives next door is a police officer.

خبر عبارت وصفی که موصول اسم معرفه

مردی که در همسایگی ما زندگی می کند یک افسر پلیس است.

اسم معرفه ضمیر موصولی عبارت وصفی خبر فاعل

تکته: در امتحانات از که موصول ( who ) زمانی استفاده می شود که در قالب زیر قرار گیرد.

[ بقیه جمله + فعل معلوم + ..... + انسان ]

نمونه سوال

1. The writer ..... has written this interesting story is very famous.

انسان

فعل معلوم

1) who

2) whom

3) whose

4) which

2. He married a beautiful woman ..... was also an author.

انسان

فعل

1) that

2) who

3) whom

4) which

گزینه b صحیح است.

تکته ۱: به جای همه ضمایر موصولی می توان از that استفاده کرد. به جزء که موصول ملکی ( whose ) .

تکته ۲: در جمله فوق who مقدم بر that می باشد.

حال که آموختیم که فاعلی ( who ) را در چه الگویی می توانیم بکار ببریم، اکنون می خواهیم بدانیم چگونه می توان آن را از جمله حذف نمود.

The man who lives next door is a police officer.

حذف

The man living next door is a police officer.

اسم مصدر

تکته: اگر بعد از who فعل زمان حال بکار رفته باشد، بعد از حذف who باید فعل مربوطه به صورت اسم مصدر بیان شود.

نمونه سوال

The children ..... over there are my students.

1) who playing

2) are playing

3) whom playing

4) playing



ترجمه: بچه‌هایی که در آنجا بازی می‌کنند، شاگردان من هستند.

گزینه d صحیح می‌باشد. گزینه a ناقص است باید به صورت who are playing ذکر شود.

گزینه b ناقص است باید به صورت who are playing ذکر شود.

گزینه c مفعولی و ناقص است باید به صورت whom are playing ذکر شود.

نکته: در امتحانات، اگر در دو گزینه ضمیر موصولی موجود باشد و در گزینه دیگر بدون ضمیر موصولی باشد باید

متوجه شویم که حذف ضمیر موصولی مورد نظر است. در این صورت، اگر ابتدای جمله فاعلی باشد، ( the children )

گزینه صحیح به صورت ' فعل + ing ' ( اسم مصدر ) بیان می‌شود. ولی اگر ابتدای جمله مفعول باشد، گزینه صحیح به

صورت اسم مفعول ( p.p ) بیان می‌شود.

۲. whom ( که مفعولی ) فقط برای انسان مفعول بکار می‌رود.

The woman whom I talked with was my sister.

انسان

فاعل

Whom در الگوی زیر می‌تواند استفاده شود.

[ بقیه جمله + فاعل + ..... + انسان ]

نمونه سوال

1. the man ..... you helped was Mr Brown.

1) who

2) whom

3) whose

4) that

جواب گزینه b

[ بقیه جمله + فعل مجهول + ..... + انسان ]

whom در الگوی زیر نیز می‌تواند استفاده شود.

مثال:

The boys whom were invited to the party were polite.

انسان

فعل مجهول

نمونه سوال:

1. The driver ..... was fined by the police officer had not stopped at the traffic lights.

1) who

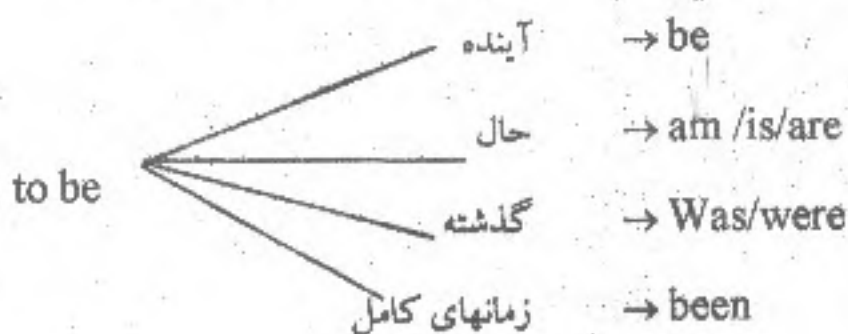
2) whom

3) whose

4) which

توضیح: گزینه b صحیح می‌باشد به دلیل اینکه قبل از نقطه چین انسان و بعد از آن فعل مجهول داریم.

نکته: فعل مجهول از ترکیب یکی از مشتقات مصدر to be و صفت مفعولی یا قسمت سوم فعل ساخته می‌شود. ← [be + p.p]



تکته: چگونه حذف whom از جمله:

الف: اگر بعد از whom فاعل یا ضمیر فاعلی بکار رفته باشد، در این صورت وجود و عدم whom هیچ تفاوتی ندارد.

The man ( whom ) I met is a doctor.

ب: اگر بعد از whom از فعل مجهول استفاده شود، به هنگام حذف whom باید مشتق to be فعل مجهول را نیز حذف کنیم.

The boys whom were invited to the party were polite.

حذف

= The boys invited to the party were polite.

نمونه سوال:

2. The man ... to prison was not guilty.

1) who taken

2) whom taken

3) was taken

4) taken

ترجمه:

مردی که به زندان برده شد، گناهکار نبود.

توضیح: گزینه d صحیح است. به دلیل اینکه ابتدا whom was taken بوده و بعد از حذف به taken تبدیل شده.

گزینه a ناقص است، باید در اصل به صورت who was taken باشد.

توجه: می‌توان قبل از فعل مجهول به جای whom از who نیز استفاده کرد.

گزینه b ناقص است، باید در اصل به صورت whom was taken باشد.

گزینه c ناقص است، و باید با که موصولی ( whom ) همراه باشد.

تکته: اگر در جمله وصفی حرف اضافه مخصوص فعل موجود باشد بهتر است قبل از ضمیر موصولی بکار رود.

The woman whom I talked with is my sister.

= The woman with whom I talked is my sister.

نمونه سوال:

The writer ..... I wrote is very famous:

1) who

2) whom

3) to whom

4) whose

توضیح: گزینه c صحیح است، بدلیل اینکه to حرف اضافه مخصوص write می‌باشد، پس بهتر است قبل از ضمیر موصولی در جمله

ظاهر شود.

۳. which: ضمیر موصولی مخصوص غیر انسان می‌باشد و در الگوی زیر در جمله بکار می‌رود.

[ بقیه جمله + ..... + غیر انسان ]

The tests

which

you gave us

were easy

غیر انسان ( مفعول )

ضمیر موصولی

عبارت وصفی

خبر

تکته: برای ضمیر موصولی which فرقی نمی‌کند که بعد از آن فاعل یا فعل بکار رود به عبارت دیگر which برای هر دو

بکار می‌رود، یعنی هم فاعلی است و هم مفعولی.

Our grammar class which meets at six in the evening is very interesting.

The teapot ..... I bought is made of Silver.

- 1) who                      2) whom                      3) which                      4) whose

توضیح: گزیده که من خریدم از جنس نقره است.

۴- whose : ( که ) ملکی است، و در الگوی زیر بکار می‌رود.

[ بقیه جمله + اسم + ..... + ایسم ]

The boys whose balls broke the window were playing football.

نمونه سوال

The writer ..... works are always admired by people all over the world is William Shakespeare.

- 1) who                      2) whom                      3) whose ✓                      4) which

توضیح: گزیده صحیح است بدلیل اینکه کلمه works در این جمله در نقش اسم ظاهر شده است و به معنای ( آثار ) می‌باشد و راه تشخیص آن فعل کمکی ( are ) می‌باشد که فقط بعد از اسم می‌تواند در جمله واقع شود.

نکته: whose برای انسان، حیوان و اشیاء بکار می‌رود.

۵- where ( که ) مکانی است و در الگوی زیر بکار می‌رود.

[ بقیه جمله + ..... + اسم مکان ]

نکته: فرمول فوق زمانی صدق می‌کند که اسم مکان مورد توصیف واقع شده باشد:

I saw a wild cat in the zoo ..... was as big as a small tiger.

اسم غیر انسان

عبارت توصیفی

در جمله فوق همانطور که متوجه شدید عبارت a wild cat مورد توصیف واقع شده است نه کلمه zoo که اشاره به اسم مکان می‌کند.

پس ضمیر موصولی مناسب برای جمله فوق ضمیر موصولی which می‌باشد نه where

نمونه سوال

Tehran is the city ..... I live in.

- 1) where                      2) which                      3) whose                      4) when

توضیح: گزیده a صحیح است، به دلیل اینکه کلمه city ( اسم مکان ) مورد توصیف واقع شده.

نکته: به جای where می‌شود از معادل آن in which استفاده کرد، یعنی جمله فوق را می‌توان به شکل زیر بیان کرد.

Tehran is the city in which I live.

۶- when : ضمیر موصولی مربوط به اسم زمان می‌باشد و در الگوی زیر بکار می‌رود.

که زمانی

[ بقیه جمله + ..... + اسم زمان ]

I remember the day when you were born.

اسم زمان

بیاد دارم روزی را که تو متولد شدی.



تکته: اسامی زمان می‌توانند کلماتی باشند که اشاره به زمان می‌کنند مانند: hour, friday, week, month, year, day. time و غیره.

۷. why: ضمیر موصولی مربوط به بیان علت می‌باشد و در انگوی زیر بکار می‌رود.  
که علت

(1) [ The reason + ..... ]

The reason why he left here so soon is unknown to me.

دلیل اینکه خیلی زود اینجا را ترک کرد برای من معلوم نیست.

(2) [ that's + why ]

It was raining that's why I came late.

باران می‌آمد به این دلیل دیر شد (آمدم)

### Self test

- I have a friend ..... ran in the Greece Marathon last year.  
1) who ✓                      2) whom                      3) that                      4) whose
- She is probably the hardest working student..... I've ever taught.  
1) who                      2) whom                      3) that ✓                      4) whose
- The machine ..... I have to use in my job costs over a million pounds.  
1) that                      2) in which                      3) where                      4) by which
- The park ..... I usually go running in is across the road.  
1) which                      2) where ✓                      3) in which                      4) when
- It is one of the most interesting books ..... I've read this year.  
1) which                      2) that ✓                      3) whose                      4) in which
- The people ..... I work here are very friendly.  
1) who                      2) whom                      3) with whom ✓                      4) whose
- He is a conductor ..... orchestra is well known.  
1) which                      2) who                      3) whose ✓                      4) whom
- Her husband, ..... has a masters degree in economics, has a good job with the government.  
1) that                      2) whom                      3) who ✓                      4) whose
- The reason ..... I don't like to go there is reasonable.  
1) who                      2) which                      3) that                      4) why ✓
- The first student ..... came into the class was Ali.  
1) who                      2) whom                      3) that ✓                      4) whose

نکته: اگر قبل از اسمی که قرار است توسط یک عبارت وصفی توصیف شود، یکی از کلمات best, all, first, only (Something), (anything), و یا یکی صفات و یا قیود تفضیلی واقع شود. فقط باید از موصولی that استفاده شود.

11. The child, ..... In the park yesterday, has not been found yet.

1) who lost

2) whom lost

3) was lost

4) lost

### TENSES

زمانها:

قبل از اینکه به توضیح و کاربرد زمانها پردازیم، بهتر است نکاتی را متذکر شویم.

« The structure of an English sentence » ساختمان یک جمله انگلیسی

[ قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول غیر شخص + فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + فاعل ]

۱. فاعل در ابتدای هر جمله خبری می تواند کاربرد داشته باشد

Reza swims very well

فاعل

۲. افعال کمکی افعالی هستند که در معنای فعل کمکی از لحاظ معنایی کمی تغییر ایجاد می کنند مهمترین این افعال عبارتند از:

Can - may - must - should would rather had better ought to

He	{	can		او می تواند برود
		must		او باید برود
		may	go	او شاید برود
		should	+ to	او باید برود
		ought to	مصدر بدون	او باید برود
		had better		او بهتر است برود
		would rather		او ترجیح می دهد برود.

نکته: بعد از فعل کمکی همیشه از مصدر بدون to استفاده می شود.

او می رود. ( can ) He goes .

او می تواند برود. He can go .

خاصیت افعال کمکی: این افعال زمان حال و آینده را بیان می کنند.

{ He can see you now.

{ He can see you tomorrow.

{ I must leave the class now.

{ I must leave the class in half an hour.



{ I should respect my parents  
I should take part at the meeting tomorrow.

{ They may/might come now  
They may/might visit the museum tomorrow.

{ You had better stay here now  
You had better not go there tomorrow

تکته: در امتحانات از You'd better و You'd rather استفاده می شود و باید متوجه باشیم که You'd می تواند در عبارت اول به You had و در دومی به You would اشاره می کند.

تکته: Should و ought to در امتحانات معادل یکدیگر هستند و اگر در مفهوم توصیه به انجام کاری باشند حتی می توانند معادل had better باشند.

۳- قیود تکرار: کلماتی هستند که درجه و میزان انجام فعل را بیان می کنند و همیشه قبل از فعل اصلی بکار می روند.

### [ فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی ]

این قیود عبارتند از: frequently, occasionally, generally, never, Seldom, Sometimes, usually, often, always

او بهتر است گاهی اوقات انگلیسی بخواند.  
He should always study English.  
او به ندرت گاهی اوقات معمولاً اغلب همیشه  
He ought some times to study English.

تکته: اگر قید تکرار با فعل ought to بکار رود به شکل زیر در می آید.

توجه: منقح عبارات would rather و had better و ought to.

I would rather not see the film.  
I had better not do my job.  
I ought not to talk with her anymore.

توجه: قیود تکرار Seldom, rarely, hardly معادل خوبی برای never می باشند و به جملات حالت منقح القا می کنند.

He seldom reads books. او اهل کتاب نیست.

{ rarely  
hardly  
never

### ۴- فعل اصلی

افعال به ۲ دسته تقسیم می شوند الف: با قاعده، ب: بی قاعده

الف: افعال با قاعده افعالی هستند که با افزودن یک ed به آنها زمان گذشته و اسم مفعول آنها ساخته می شود.

حال ( ساده )	گذشته	p.p
clean	cleaned	cleaned

فعل ساده برای ساخت زمانهای حال ساده، حال استمراری و آینده ساده و آینده استمراری بکار می‌رود.

I clean حال ساده

من تمیز می‌کنم.

I am cleaning حال استمراری

من دارم تمیز می‌کنم.

I will clean آینده ساده

من تمیز خواهم کرد.

I will be cleaning آینده استمراری

من در حال تمیز کردن خواهم بود.

فعل گذشته فقط یک زمان را می‌تواند بسازد.

### { I cleaned the house yesterday }

فعل گذشته

اسم مفعول‌ها ( p.p ) برای ساخت زمانهای کامل ( حال، گذشته، آینده ) و برای ساخت جملات مجهول بکار می‌روند.

a	{	She has <u>cleaned</u> the blackboard	او تابلو را پاک کرده است.
		She had <u>cleaned</u> the blackboard	او تابلو را پاک کرده است.
		She will have <u>cleaned</u> the blackboard ( by tomorrow )	او ( تا فردا ) تابلو را پاک خواهد کرد.

b { فرمول یک جمله مجهول }  
 { اسم مفعول + be + p.p + مفعول }

The black board has been <u>cleaned</u>	تابلو پاک شده است.
The black board had been <u>cleaned</u>	تابلو پاک شده بود.
The black board will have been <u>cleaned</u> by tomorrow.	تابلو تا فردا پاک خواهد شد.

توجه: مقایسه ساخت اسم مفعول در فارسی و انگلیسی

در فارسی - تمیز کردن: مصدر می‌باشد، ابتدا ن ( علامت مصدر ) را حذف می‌کنیم، ( تمیز کرد ) و سپس به آن ه اضافه می‌شود، ( تمیز کرده ) بدست می‌آید. ( اسم مفعول )

در انگلیسی - to clean: مصدر می‌باشد، ابتدا to ( علامت مصدر ) را حذف می‌کنیم، ( Clean ) و سپس به آن ed اضافه می‌شود، ( cleaned ) بدست می‌آید.

توجه: از آنجائیکه Cleaned هم نقش اسم مفعول و هم نقش گذشته فعل را دارد برای اینکه دچار اشتباه نشویم، باید همیشه به قبل از Cleaned نگاه کنیم. اگر قبل از آن ( فعل با قاعده ) یکی از افعال کمکی had , have و am-is-been بی‌قاعده are-was-were-be- آن را به عنوان یک اسم مفعول ( p.p ) شناسائی می‌کنیم، در غیر این صورت در نقش یک فعل گذشته در جمله ظاهر می‌شود.

I cleaned the room.  
فعل گذشته

اتاق را تمیز کردم.

I have cleaned the room  
p.p

اتاق را تمیز کرده‌ام.



ب: افعال بی قاعده: افعالی هستند که تابع قانون خاصی نیستند و برای خود ممکن است هم زمان حال، گذشته و اسم مفعول جداگانه داشته باشد و یا نه هر سه حالت فعل آنها یکسان باشد. مانند:

اسم مفعول	گذشته	حال	یا	اسم مفعول	گذشته	حال
seen	saw	see		cut	cut	cut
Written	wrote	write		set	set	set
Eaten	ate	eat		put	put	put

۵- مفعول شخص: بعد از فعل اصلی در جمله واقع می شود.

We can always help Mr Ahmadi.

مفعول شخص

۶- مفعول غیر شخص: می تواند بعد از مفعول شخص واقع شود. مفعولهای غیر شخص می توانند به ۴ دسته حیوان (a cat)، گیاه (a tree)، اشیاء (a chair) و زبانها (English) تقسیم شوند.

We should sometimes buy Mr Ahmad a gift

مفعول غیر شخص مفعول شخص

توجه: می توانیم جای مفعول شخص و غیر شخص را با هم عوض کنیم، به شرط اینکه بین آن دو از حرف اضافه for یا to استفاده کنیم.

We should sometimes buy a gift for Mr Ahmadi

مفعول شخص حرف اضافه مفعول غیر شخص

قید حالت: چگونگی و حالت انجام کار را بیان می کند. این قیود عبارتند از Carefully، Slowly، quickly، .....، fast، hard و late می باشند.

We should sometimes choose a gift for Mr Ahmad carefully

فعل اصلی

قید حالت

توجه: hard و fast و late هم نقش صفت و هم نقش قید را بازی می کنند.

He is a fast runner → He runs fast

صفت

قید

He is a hard worker → He works hard

صفت

قید

He is always late → He gets up late

صفت

قید

توجه: قید hardly را با قید hard اشتباه نگیریم.

He works hard.

او خیلی کار می کند.

قید حالت

He hardly works.

او اصلاً کار نمی کند.

قید تکرار



توجه: قید lately را با قید late اشتباه نگیریم.

او دیر آمد. She came late

او اخیراً کار نکرده است. She has not worked Lately

توجه: در انگلیسی با افزودن یک ly به صفت می‌توان قید را بدست آورد. به استثنای late, hard, fast و well.

[ careful + ly → carefully ] [ قید → +ly + صفت ]

She is a careful driver. او یک راننده دقیق است.

She drives carefully. او با دقت رانندگی می‌کند.

Mr Alavi is a good teacher. آقای علوی معلوم خوبی است.

He teaches well. او خوب درس می‌دهد.

۸- قید مکان: هر اسمی که به مکان و جا اشاره داشته باشد در نقش قید مکان در جمله ظاهر می‌شود و همیشه بعد از قید حالت واقع می‌شود.

in Tehran  
At Azadi stadium  
on the table  
over my head  
from the market

We should sometimes choose a gift for Mr Ahmadi carefully from the market.

۹- قید زمان: هر کلمه و عبارتی که اشاره به زمان داشته باشد، آن را قید زمان گوئیم.

قیود زمان حال ساده

{every	day	/ on	{	firdays	/	once	{	week	/	now a days
	night			mondays		twice		month		
	monday			sundays		three times		year		these days
	week									
	month									
year										

{ now / at present / for the time being / at the moment } قیود زمان حال استمراری

{ so far / up to now / several times / lately / recently / sin a long time / yet / Just / ... } قیود زمان حال کامل

قیود زمان گذشته ساده { yesterday / before / ago / last } { week / monday / the other day / month }

قیود زمان گذشته استمراری { This time yesterday / At 5 yesterday }

قیود زمان آینده ساده { tomorrow / Soon / in } { half an hour / two days / future } / next { week / month / on friday / year }

قیود زمان آینده استمراری { This time tomorrow, / At 5 tomorrow, }

قیود زمان آینده کامل { By tomorrow, }

توجه: قیود زمانی نشانه‌های خوبی برای تشخیص زمان مربوط به فعل در جمله به شمار می‌روند.

### < TENSES >

زمانها:

در انگلیسی زمان را به سه دسته تقسیم می‌کنیم و هر دسته را به چهار زمان مختلف بیان می‌کنیم پس جمعاً می‌توان با آموختن ۱۲ زمان، با این زبان ارتباط برقرار کرد.

آینده	$\left\{ \begin{array}{l} ۱- ساده \\ ۲- استمراری \\ ۳- کامل \\ ۴- کامل استمراری \end{array} \right.$	حال	$\left\{ \begin{array}{l} ۱- ساده \\ ۲- استمراری \\ ۳- کامل \\ ۴- کامل استمراری \end{array} \right.$	گذشته	$\left\{ \begin{array}{l} ۱- ساده \\ ۲- استمراری \\ ۳- کامل \\ ۴- کامل استمراری \end{array} \right.$
-------	------------------------------------------------------------------------------------------------------	-----	------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------	------------------------------------------------------------------------------------------------------

#### [ Present Simple ]

اجازه دهید برای درک بهتر زمانها ابتدا از زمان حال شروع کنیم

#### ۱- حال ساده: [ بقیه + فعل ساده + فاعل ]

تعریف الف: این زمان برای بیان اعمالی است که به صورت عادت و تکرار و روتین درآمدن باشد.

He gets up early morning

حال ساده

او صبح زود از خواب بیدار می‌شود.

They always play football on Fridays.

آنها همیشه جمعه‌ها فوتبال بازی می‌کنند.

We take a trip to the north once a year.

سالی یک بار به شمال سفر می‌کنیم.

The bus usually leaves the station every 10 minutes.

اتوبوس معمولاً هر ده دقیقه یکبار از ایستگاه حرکت می‌کند.

تعریف ب: برای بیان حقایق کلی و طبیعی نیز از این زمان استفاده می‌شود.

The Earth goes round the sun.

حال ساده

زمین بدور خورشید می‌چرخد

The baby cries when it is hungry.

بچه گریه می‌کند وقتی که گرسنه باشد.

Money gets its value from gold.

پول ارزش خود را از طلا کسب می‌کند

توجه ۱: در زمان حال ساده، اگر فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد ( he , she و it ) حتماً باید به فعل جمله s یا es اضافه شود.  
توجه ۲: حال ساده با do و does سوالی و با don't و doesn't منفی می‌شود.

They don't stay with us. آنها نزد ما نمی‌مانند.

Maryam doesn't go to the party. مریم به میهمانی نمی‌رود.

### Present progressive

زمان حال استمراری: [ جمله + ing + فعل + am + فاعل ]  
is  
are

تعریف: برای بیان کاری است که هم اکنون در حال اجراست.

We are learning the English grammar now

ما مشغول یادگیری گرامر انگلیسی هستیم.

توجه: بعضی از افعال استمرار پذیر نیستند و نمی‌توان آنها با زمانهای استمراری بکار برد. این افعال عبارتند از:

regret , realize , own , love , know , understand , enjoy , taste , smell , hate , believe

### Present perfect :

### حال کامل

[ جمله + have / has + p.p + فاعل ]

تعریف الف: کاری است که در گذشته شروع شده و تا حال نیز ادامه دارد، به عبارت دیگر می‌توان گفت پل ارتباطی بین گذشته و حال می‌باشد.

I have lived in Tehran for 10 years. من ۱۰ سال است که در تهران زندگی می‌کنم. ( یعنی حالا در تهران هستم )

She has not eaten anything since morning. او از صبح تا حالا چیزی نخورده است.

تعریف ب: کار در گذشته شروع شده و در گذشته نیز خاتمه یافته ولی اثر عمل در زمان حال باقی است.

Mum has washed the dishes. ما در ظرفها را شسته است. ( از تمیزی ظرفها متوجه می‌شویم که ما در ظرفها را شسته )

(ات)

I have written a letter. من یک نامه نوشته‌ام ( اثر در زمان حال باقی است. )

(ام)

تکته: have و یا has در حال کامل دقیقاً نقش شناسه‌های ( ام - ای - است / ایم - اید - اند ) را بازی می‌کنند.

ما همین الان رسیده‌ام.

we have just arrived

ما رسیده الان ایم ما

present perfect continuous

حال کامل استمراری:

[ مدت زمان + for + ..... + ing + فعل + have / has + been + فاعل ]

تعریف: این زمان چندان تفاوتی با زمان حال کامل ندارد، فقط در بعضی از جملات بر روی عمل انجام شده تاکید فراوان می‌کند و می‌خواهد آن را به رخ شنونده بکشد.

I have been living in Tehran for 10 years

= I have lived in Tehran for 10 years.

این دو جمله از لحاظ معنایی هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند.

ولی در جمله زیر تفاوت ایجاد می‌شود.

a. we have been waiting for you for half an hour.

ما نیم ساعت است که منتظر شما هستیم ( یعنی اینکه کجا بودی و ما از این که منتظر شما شدیم شاکی هستیم )

b. we have waited for you for half an hour.

ما نیم ساعت منتظر شما شده‌ایم ( یعنی از این بابت ناراحت نیستیم )

توجه: در جمله a، شنونده حتماً باید توضیح دهد که چرا دیر آمده، ولی در جمله b نیازی به این توضیح نیست!

نکته: در امتحانات اگر بخواهند حال کامل استمراری را که نشانه شاکی بودن می‌باشد را در قالب جمله مطرح کنند. معمولاً

از قید زمان now در انتهای جمله استفاده می‌کنند.

مانند:

Mum ..... the dishes for two hours now

1) is washing

2) has washed

✓ 3) has been washing

نکته: همانطور که می‌دانید و ذکر شد بعضی از افعال استمرار پذیر نیستند و آنها را نمی‌توان با این زمان استفاده کرد.

They ..... each other since 1990.

1) know

2) knew

✓ 3) have known

4) have been knowing

درست

غلط

Past Simple

گذشته ساده [ بقیه جمله + فعل گذشته + فاعل ]

تعریف: کار در گذشته شروع شده و در گذشته خاتمه یافته و هیچ ارتباطی با زمان حال ندارد.

I lived in Tehran for 10 years.

من ۱۰ سال در تهران زندگی کردم ( یعنی دیگر در تهران نیستم ).

The students took their exams yesterday

بچه‌ها دیروز امتحان دادند.

توجه: زمان گذشته با did سوالی و با didn't منفی می‌شود و فعل به حالت اول ( حال ) بیان می‌شود.

Did the students take their exams yesterday?

فعل حال

### Past Continuous

گذشته استمراری: [ بقیه جمله + ing + فعل + was + فاعل ]  
were

ترجمه: این زمان برای بیان کاری است که در زمان گذشته به طور موقت مدتی استمرار داشته.

I was shopping

منم خرید می کردم.....

we were watching football

ماشیم فوتبال تماشا می کردیم.....

They were doing their math problems.

آنها داشتند مسائل ریاضی شان را حل می کردند.....

توجه: معمولاً این زمان را با یک زمان گذشته ساده در قالب الگوی زیر استفاده می کنند.

جمله به زمان گذشته + when	+	جمله به زمان گذشته استمراری
when you called		I was shopping

while we were watching football the light went out.

نگاهمیکه فوتبال تماشا می کردیم برق رفت.

As they were doing their math problems their teacher left the class.

همین طور که داشتند مسائل ریاضی را انجام می دادند معلمشان کلاس را ترک کرد.

= Their teacher left the class as they were doing their math problems.

### Past Perfect

گذشته کامل:

[ بقیه جمله + had + p.p + فاعل ]

ترجمه: هر گاه کاری در زمان گذشته قبل از عملی دیگر اتفاق افتد برای بیان آن از این زمان استفاده می شود.

حال	گذشته ساده	گذشته دور یا کامل
۱۱ صبح	۱۰ صبح	۸ صبح

توضیح: تصور کنید الان ساعت ۱۱ صبح می باشد. شما در ساعت ۸ صبحانه خوردید و در ساعت ۱۰ سر کلاس حاضر شدید.

- I ate breakfast at 8 o'clock.
- I attended the class at 10 o'clock.

گر کارهائی را که انجام داده اید را بخواهید تک تک نام ببرید، مجبورید برای هر کدام از زمان گذشته ساده استفاده کنید. مانند جمله a و

ولی اگر بخواهید هر دو را در یک جمله بیان کنید، باید کاری را که اول انجام شده (a) را به زمان گذشته کامل و کار دوم (b) را به زمان گذشته ساده بیان کنید.

یعنی بگوئیم.

- a. I had eaten breakfast at 8 o'clock.  
b. I attended the class at 10 o'clock.

همانطور که ملاحظه می کنید ما هنوز جمله a و b را به یک جمله مرکب تبدیل نکرده ایم، برای این کار نیازمند یک اتصال دهنده بین این دو جمله هستیم.

توجه: اتصال دهنده‌هایی که می‌توانند گذشته کامل را به گذشته ساده وصل کنند عبارتند از: when, because, after, before در الگوهای زیر:

جمله به زمان گذشته کامل + Before + جمله به زمان گذشته ساده

Before I attended the class, I had eaten breakfast

قبل از اینکه سر کلاس بروم صبحانه خورده بودم.

= I had eaten break fast before I attended the class.

صبحانه خورده بودم قبل از اینکه سر کلاس حاضر شوم.

جمله به زمان گذشته ساده + After + جمله به زمان گذشته کامل

After I had eaten break fast, I attended the class.

توجه: اگر عمل دوم نتیجه عمل اول باشد ترجیح می‌دهیم که هر دو زمان به گذشته ساده بیان شود.

She became famous after she appeared on the T.V programme.

گذشته ساده

گذشته ساده

جمله به زمان گذشته کامل + Because - جمله به زمان گذشته ساده  
since

After I had eaten break fast, I attended the class.

سر کلاس حاضر شدم چونکه صبحانه خورده بودم. (یعنی اگر نمی‌خوردم نمی‌آمدم).

جمله به زمان گذشته کامل + when + جمله به زمان گذشته ساده

When I attended the class, I had eaten breakfast.

وقتی سر کلاس حاضر شدم صبحانه خورده بودم.

When the teacher came in, all the children stood up

گذشته ساده

گذشته ساده

توضیح: چون عمل دوم نتیجه عمل اول می‌باشد.

توجه: کلمه since می‌تواند نقش because را ایفا کند.

I was upset since I had lost my bag.

گذشته ساده

گذشته کامل

Past perfect continuousگذشته کامل استمراری

[ مدت زمان + for + ..... + ing + فعل + had + been + فاعل ]

توجه: تنها تفاوت گذشته کامل استمراری با گذشته کامل در بیان مدت زمانی است که کار اول طول کشیده و سپس کار دوم آغاز شده ، مانند قبل از اینکه درب را باز کنی و ۵ دقیقه بود که زنگ می‌زد.

Before you opened the door, I had been ringing the door bell for 5 minutes.

توجه: گذشته کامل استمراری در الگوهای گذشته کامل بکار می‌رود.

Futureآینده ساده

{ [ بقیه جمله + مصدر بدون to + will + فاعل ]  
can  
may  
must  
should

I will fly to shiraz next week.

هفته آینده به شیراز پرواز خواهم کرد.

توجه: اگر از قبل برای انجام کاری در زمان آینده برنامه ریزی کرده باشیم از فعل be going to برای بیان آن استفاده می‌کنیم.

I am going to fly to shiraz next week.

قصد دارم هفته آینده به شیراز مسافرت کنم.

John and Mary are going to get married next month.

جان و مری قصد دارند ماه آینده ازدواج کنند.

The stadium will be full for the match on Saturday.

روز شنبه استادیوم برای مسابقه پر خواهد بود.

Future Continuousآینده استمراری

[ ..... + ing + فعل + will be + فاعل ]

تعریف: برای بیان کاری است که در زمان آینده در حال انجام خواهد بود.

I will be giving lecture at 10 tomorrow

فردا ساعت ۱۰ در حال سخنرانی خواهم بود.

This time next week, we will be taking our exams.

این موقع هفته آینده در حال امتحان هستیم.

**Future Perfect**

**آینده کامل**

[ **فاعل + will have + p.p + ....** ]

تعریف: برای بیان کاری است که در زمان آینده قبل از یک نقطه زمانی کامل شود و یا تمام شود.

By next year, I will have saved enough money to buy a car.

تا سال آینده پول کافی برای خرید ماشین پس انداز خواهم کرد.

نکته: علامت مشخصه زمانی مربوط به آینده کامل کلمه **By** (تا) می باشد.

**Future Perfect Continuous**

**آینده کامل استمراری**

[ **مدت زمان + for + ..... + ing + فعل + will have + been + فاعل** ]

تعریف: این زمان با آینده کامل فرقی ندارد فقط تأکید آن بر روی مدت زمانی است که در آینده طول خواهد کشید تا کاری کامل شود.

By next month, we will have been living in this house for one year.

تا ماه آینده، یک سال خواهد بود. که در این خانه زندگی می کنیم.

**ACTIVE / PASSIVE**

معلوم / مجهول

معلوم: جمله ای را معلوم گویند که دارای فاعل (کننده کار) باشد.

[ **مفعول + فعل + فاعل** ] فرمول یک جمله معلوم

Ali teaches the students once a week.

فاعل      فعل      مفعول

علی هفته ای یک بار به دانشجویان درس می دهد.

**Passive Voice**

معلوم: جمله ای را معلوم گویند که دارای فاعل (کننده کار) باشد.

[ **مفعول + be + p.p** ] فرمول یک جمله مجهول

توجه: جملات مجهول را بدلائل زیر بکار می برند.

۱- وقتی که نمی خواهیم نامی از فاعل برده شود.

The students are taught once a week

به دانش آموزان هفته ای یک بار درس می دهند.

۲- وقتی که اهمیت مفعول از فاعل بیشتر باشد.

Several tanks were destroyed by the Soldiers.

فاعل      فعل مجهول      مفعول

چندین تانک دشمن توسط سربازان منهدم شد.



۳- معمولاً در گزارشات و اخبار برای زیبایی کلام از جملات مجهول استفاده می‌شود.

The university entrance examinations were held.

امتحانات ورودی دانشگاه برگزار شد.

نکته: برای ساخت جملات مجهول ابتدا باید مفعول شناسائی شود و سپس باید با فعل to be دقیقاً آشنا شویم و بعد از آن بلافاصله از اسم مفعول ( p.p ) فعل اصلی استفاده می‌شود.

توجه ۱: فعل to be در جملات مجهول به معنای شدن می‌باشد و در جملات معلوم به معنای بودن.

توجه ۲: فعل to be در جملات مجهول به معنای شدن می‌باشد و در جملات معلوم به معنای بودن.

در جملات مجهول	}	be	خواهد شد
		am	می‌شوم
		is	می‌شود
		are	می‌شوید - می‌شوند.
		was	شد
		Were	شدند
		been	شده

توجه ۳: مشتق فعل to be را براساس زمان فعل اصلی جمله و مناسب با مفعول انتخاب می‌کنیم.

مانند:

The news surpized me

خبر مرا تعجب کرد.

مفعول      فعل گذشته      ناصب

### مراحل تبدیل یک جمله معلوم به مجهول

۱- ابتدا مفعول جمله فوق را به صورت ضمیر مفعولی است به ضمیر فاعلی تبدیل می‌کنیم و در ابتدای جمله مجهول می‌نویسیم.

I.....

۲- سپس منطبق با زمان فعل اصلی جمله معلوم، مشتق to be مناسب با مفعول ( I ) را انتخاب می‌کنیم.

I was .....

۳- نهایتاً اسم مفعول فعل اصلی جمله معلوم را می‌نویسیم. ( در افعال با قاعده از لحاظ ساخت فرقی بین گذشته فعل و اسم مفعول وجود ندارد )

I was surprised

۴- در صورت اختیار می‌توانیم کننده کار ( فاعل ) را در انتهای جمله مجهول بعد از حرف اضافه by ذکر کنیم.

I was surprised by the news.



نکته: برای ساخت جملات مجهول از فرمول [ be + p.p + مفعول ]

The car can be sold here.

یا از فرمول [ be + فعل کمکی + مفعول ] استفاده می‌شود. مانند: ماشین را می‌توان اینجا فروخت.

توجه داشته باشید که فرم be برای جملات استمراری [ being ] و برای زمان آینده ساده [ be ] و برای زمانهای کامل [ been ] می‌باشد.

نکته: باید توجه داشته باشیم که زمانهای حال کامل استمراری، گذشته کامل استمراری و آینده کامل استمراری و همچنین

آینده استمراری در جملات مجهول بکار نمی‌رود.

معلوم

بسیاری از شهروندان قدیمی از کتابخانه استفاده می‌کنند.

Simple present > Many older citizen use the library.

s v o

حال ساده

از کتابخانه استفاده می‌شود. (توسط بسیاری از شهروندان قدیمی)

Passive > The library is used by many older citizen.

o be p.p

مجهول

معلوم

Simple past > Many children used the library last summer.

گذشته ساده

از کتابخانه استفاده شد. (توسط بسیاری از بچه‌ها، تابستان گذشته)

Passive > The library was used by many children last summer.

مجهول

معلوم

Present continuous > workmen are painting the third floor.

حال استمراری

کارگران در حال رنگ آمیزی طبقه سوم هستند.

طبقه سوم در حال رنگ آمیزی می‌باشد.

مجهول

Passive > The third floor is being painted.

معلوم	آنها داشتند اطاق بچه‌ها را رنگ می‌کردند
	Past continuous > They were painting the children's room
گذشته استمراری	
مجهول	اطاق بچه‌ها در حال رنگ شدن بود.
	Passive > The children's room was being painted.

معلوم	کتابخانه سال آینده برنامه‌های جدیدی را ارائه خواهد کرد.
	Future simple > The library will offer <u>many new programs</u> next year.
آینده ساده	(مفعول) obj
مجهول	برنامه‌های جدید زیادی سال آینده ارائه خواهد شد.
	Passive > Many new programs will be offered next year.

معلوم	من قصد دارم به زودی حقیقت را به شما بگویم.
	Future simple > I am going to tell you the truth soon
آینده حقیقی	
مجهول	بزودی حقیقت به شما گفته خواهد شد.
	Passive > you are going to be told the truth soon

توجه ۱: اگر در جمله دو مفعول باشد، مفعول شخص را در ابتدای مجهول می‌نویسیم.

توجه ۲: be going to ( قصد داشتن ) برای بیان اعمالی است که از قبل تصمیم به انجام آن گرفته‌ایم ، پس می‌توان گفت درصد انجام کار نسبت به will خیلی بیشتر است.

معلوم	Present perfect > The director has ordered <u>a lot of new equipment</u> .
	job
حال کامل	کارگردان بسیاری تجهیزات جدید سفارش داده است.
مجهول	تجهیزات جدید بسیاری سفارش داده شده است.
	Passive > A lot of new equipment has been ordered.

من قبلاً به او حقیقت را گفته بودم.

معلوم

Past perfect > I had already told him the truth.

گذشته کامل

مجهول

به او قبلاً حقیقت گفته شده بود.

Passive > He had already been told the truth.

معلوم

تا فردا یک نامه خواهم نوشت.

Future perfect > By tomorrow, I will have written a letter

آینده کامل

مجهول

تا فردا یک نامه نوشته خواهد شد.

Passive > By tomorrow, a letter will have been written.

< Change the following verbs into passive forms >

Self practice

- |                  |                     |                         |                        |
|------------------|---------------------|-------------------------|------------------------|
| 1. tell =        | 9. will have told = | 17. wrote =             | 25. does               |
| 2. is telling =  | 10. must tell =     | 18. is writing =        | 26. has seen           |
| 3. told =        | 11. should drive =  | 19. writes =            | 27. was correcting     |
| 4. was telling = | 12. to write =      | 20. will have written = | 28. is taking          |
| 5. has told =    | 13. will write      | 21. is fixing =         | 29. will have finished |
| 6. had told =    | 14. had written =   | 22. will finish         | 30. is going to fix    |
| 7. will tell =   | 15. has written =   | 23. sent                |                        |
| 8. to tell =     | 16. was writing =   | 24. is giving           |                        |

Self test

- The lady ..... The dinner before her husband arrived.  
 1) will cook                      2) would cook                      3) had cooked                      4) has cooked
- No one ..... from him for the past six months.  
 1) had heard                      2) has heard                      3) heard                      4) hears
- All the cake ..... eaten by the hungry children since their mother left them alone.  
 1) has been                      2) have been                      3) was                      4) were
- The driver you are talking about drives carelessly. He ..... for dangerous driving yesterday.  
 1) fined                      2) was fined                      3) found                      4) was found



5. The books were so dusty that it was obvious that no one..... them for a long time.  
 1) had read                      2) has read                      3) hadn't read                      4) hasn't read
6. The results of the test shows that some of the students..... very well.  
 1) aren't teaching                      2) haven't taught  
 3) haven't been taught                      4) haven't been teaching
7. The bank robbers could run away because the police..... informed of the robbery in time.  
 1) haven't been                       2) hadn't been                      3) haven't                      4) hadn't
8. when the accident happened, we ..... at 50 miles speed.  
 1) will drive                       2) were driving                      3) drive                      4) are driving
9. At 5 o'clock yesterday, I ..... TV.  
 1) am watching                      2) have watched                      3) was watching                      4) watch
10. There was an important meeting last week and a number of suggestions.....  
 1) have made                      2) have been making                       3) were made                      4) were making
11. The new book he has recently written ..... very soon.  
 1) will be publish                       2) is going to be published  
 3) will publish                      4) would publish
12. I would like to know how the height of huge waves..... at sea.  
 1) are measuring                      2) are measured  
 3) is measuring                       4) is measured
13. If you heat the ice, it ..... into water .  
 1) turns                      2) is turning                      3) will be turning                      4) would turn
14. By next quarter, I ..... in this institute for 4 years.  
 1) will work                      2) will be working  
 3) will have worked                      4) will have been working
15. The pollution problem ..... worse over <sup>حالت بد</sup> the last decade.  
 1) got                      2) has got                       3) has been getting                      4) had got
16. After I had taken the class, I ..... more about human nature.  
 1) understand                       2) understood                      3) was understanding                      4) has been
17. she was very very sad while she ..... her suitcases.  
 1) packed                      2) packing                       3) was packing                      4) has packed

18. What will you ..... at 10 tonight?

- 1) do                                                  2) doing                                                  ✓ 3) be doing                                                  4) have done

19. we ..... only two compositions up to now.

- 1) are writing                                                  ✓ 2) have written                                                  3) have been writing                                                  4) wrote

20. He always ..... his homework assignments on time.

- ✓ 1) completes                                                  2) complete                                                  3) will complete                                                  4) going to complete

تکته: عبارت for the last نشانه زمان حال کامل می باشد ولی for the past نشانه گذشته ساده است.

تکته: عبارت a number of با فعل جمع بکار می رود ولی the number of با فعل مفرد بکار می رود.

شاگردان زیادی در کلاس من هستند . A number of students are in my class

تعداد شاگردان ۳۵ نفر است. The number of the students is 35.

### cloze Test

A tornado can do a lot of ..... The wind of a tornado ..... at great speed around a funnel - shaped cloud. It travels in a path a few hundred feet and a bout 25 miles long.

- |             |              |               |             |
|-------------|--------------|---------------|-------------|
| 1) benefits | ✓ 2) damages | 3) advantages | 4) mistakes |
| 1) pushes   | 2) crashes   | 3) forces     | ✓ 4) rushes |
| 1) deep     | ✓ 2) wide    | 3) high       | 4) long     |

**Infinitive**

**مصدر:** ( فعل ساده + to ) ریشه فعل است و خوب است بدانیم که مصدر تابع شخص و زمان نیست، یعنی در هر زمان ثابت و برای هر شخص ثابت و بدون تغییر می‌باشد.

**الف:** بعد از افعال زیر بلافاصله از مصدر استفاده می‌شود.

**Plan – want – wish – promise – like – stop – threatened – agree decide – consent – fail – start – pretend – be ( am – is – are ) – endeavor/demand – appear – refuse – wait – tend – manage – neglect – hate – allow.**

The shop refused to accept a cheque.

مغازه از گرفتن چک امتناع کرد.

we like to play football.

ما می‌خواهیم فوتبال بازی کنیم

**توجه:** like اگر در مفهوم دوست داشتن باشد، بعد از آن از اسم مصدر ( ing + فعل ) استفاده می‌شود.

We like playing football.

ما بازی فوتبال را دوست داریم.

He stopped to smoke

او ایستاد، که سیگار بکشد.

مصدر — متوقف کردن

**توجه:** اگر بعد از stop از اسم مصدر استفاده کنیم معنا تغییر می‌کند.

He stopped smoking

او سیگار کشیدن را ترک کرد.

اسم مصدر — متوقف کردن

My goal is to be a lawyer

هدف من این است که وکیل شوم.

مصدر

He threatened to report their behaviour to the principal

او تهدید کرد که رفتار آنها را به مدیر گزارش خواهد داد.

**ب:** در الگوی زیر نیز از مصدر استفاده می‌شود.

[ ..... + مفعول + فعل + فاعل ]

The teacher asked us not to waste his time any more.

معلم از ما تقاضا کرد که بیش از این وقت او را تلف نکنیم.

**توجه:** برای منفی کردن مصدر کافی است که در ابتدای آن یک not قرار دهیم.

to go → not to go

مصدر منفی

The police warned everyone ..... in side with their windows closed.

1) stay

2) to stay

3) staying

4) stayed

پلیس هشدار داد که همه در منزل بمانند و پنجره‌ها را باز نکنند.

**تکته:** جمله بالا منطبق با الگوی [ مصدر + مفعول + فعل + فاعل ] می‌باشد و بعد از آن همیشه از مصدر استفاده می‌کنیم. البته

به شرط اینکه فعل مربوطه یکی از افعال have , help , let , make نباشد، که در این صورت الگوی بالا تغییر خواهد کرد.



[ مصدر بدون to + مفعول + make + فاعل ]

let  
have  
help

مانند

The police made every one ..... in side with their windows closed

- a. stay      b. to stay      c. staying      d. stayed

گذشته فعل      اسم مصدر      مصدر      مصدر بدون to

پلیس همه را مجبور کرد که در خانه بمانند و پنجره‌ها را ببندند.

ج: مصدر در [ الگوی ..... + (ضمیر مفعولی + for) + صفت + It + be ] نیز بکار می‌رود.

It is necessary for me to learn English.

مصدر

برای من یادگیری زبان انگلیسی ضروری است.

It is impossible for him to swim in the karun river

مصدر

برای او غیر ممکن است که در رودخانه کارون شنا کند.

نکته: در امتحانات بعضاً دیده شده که الگوی فوق را کمی تغییر داده به شکل زیر تبدیل می‌کنند.

[ ..... + فاعل + that + صفت + It + be ]

که در این صورت به جای مصدر از مصدر بدون to استفاده می‌شود.

مثال:

It is important that Reza ..... on time.

- 1) to be      2) be      3) being      4) is

این مهم است که رضا وقت شناس باشد.

مثال:

It is vital that she ..... there .

حیاتی است که او آنجا برود

- 1) to go      2) goes      3) go      4) going

توجه: باید بیاد داشته باشیم که مصدر یا مصدر بدون to تابع زمان و شخص نیست، یعنی در جمله فوق گزینه C مناسب

است برای فاعل ( she ).

د: بعد از کلمات استفهام مانند what , where , when , which , why , whom و how از مصدر استفاده می‌شود.

نمی‌دانم کجا روم.

I don't know where to go

مثال:

She can't understand what .....

- 1) do      2) does      3) to do      4) doing



## زبان عمومی

توجه: فعل know ، همیشه با how همراه است و بعد از آن از مصدر استفاده می‌شود.

I know to cook. ← غلط

من غذا پختن بلد نیستم

I know how to cook. ← درست

او بلد نیست آن کلمه را تلفظ کند.

She doesn't know how to pronounce the word.

ه: بعد از whether نیز از مصدر استفاده می‌شود.

They have 14 days to decide whether to keep it or send it back.

آنها ۱۴ روز وقت دارند که تصمیم بگیرند. که یا آن را نگه دارند. و یا پس بفرستند.

## Gerund

اسم مصدر: (ing + فعل ساده)

الف: بعد از افعال زیر بلافاصله از اسم مصدر استفاده می‌شود.

enjoy – finish – mind – avoid – keep – dislike – like – stop – detest / continue – admit – deny – delay – suggest – regret – forget – can't help – can't stand – It's worth – It's no good / It is no use. remember – risk / understand .

او دائم شکایت می‌کرد (غر می‌زد)

He Kept complaining.

She regrets Spending so much money on the clothes.

او تاسف می‌خورد از اینکه پول زیادی برای لباسهایش خرج کرده.

I enjoy driving.

من از رانندگی لذت می‌برم.

They detest Writing letters.

آنها از نامه نوشتن متنفرند.

we can't help laughing.

ما نمی‌توانیم نخندیم.

Reza couldn't Stand driving his old car.

رضا نتوانست که با ماشین قدیمی خود رانندگی نکند.

It's worth learning English.

انگلیسی ارزش یادگیری را دارد

I remembered ( him ) borrowing the book , but not returning it.

یادم آمد که او کتاب را قرض گرفت و لی پس نیاورد.

ب: در ابتدای جمله در نقش فاعلی نیز از اسم مصدر استفاده می‌شود.

A { It is necessary for me to learn English.

توجه در جمله فوق می‌توان به جای ضمیر It از عبارت to learn English استفاده کرد:

B { To learn English is necessary ( for me ) .

توجه: جمله a از لحاظ معنایی هیچ تفاوتی با جمله b ندارد،

نکته: اگر جمله با مصدر شروع شود، یک نظریه شخصی به حساب می‌آید. اگر بخواهیم نظریه فردی را به نظریه عمومی و

کلی بیان کنیم باید آن را به صورت اسم مصدر ذکر کرد، مانند:

C { Learning English is necessary نظریه عمومی

اسم مصدر

توجه: همانطور که ملاحظه کردید جمله A به B و نهایتاً به C تبدیل شد.

یادگیری انگلیسی ضروری است ( یعنی همگان بر یادگیری انگلیسی اتفاق نظر دارند. )

نمونه سوال:

..... french is easier than writhing it.

1) Read

2) To read

3) Reading

4) To reading

ج: بعد از حروف اضافه نیز از اسم مصدر استفاده می‌شود:

<with – before – after – about –of–for–at–on–in–since – through – while –besides – without–by >

By working hard , she passed her exams.

اسم مصدر حرف اضافه

او با زحمت زیاد، از امتحانات قبول شد.

Since moving to Tehran, we haven't had time to go to theatre.

اسم مصدر حرف اضافه

از وقتی که به تهران آمدیم، وقت نکرده‌ایم به تئاتر برویم.

Besides teaching English, he works in an office.

اسم مصدر حرف اضافه

او علاوه بر تدریس، در یک اداره کار می‌کند.

He left without paying.

اسم مصدر حرف اضافه

او رفت بی آنکه پولی پردازد.

د: بعد از افعال حسی: مانند see, watch, hear, observe, notice, feel, smell, find نیز از اسم مصدر استفاده می‌شود.

The police saw the thief Climbing the wall.

found

اسم مصدر

noticed

felt

observed

watched

پلیس دید که دزد از دیوار بالا می‌رود.

دریافت

متوجه شد

احساس کرد

مشاهده کرد

نگاش کرد

توجه: بعد از بعضی از افعال حسی از مصدر بدون to استفاده می‌شود. مقایسه کنید:

a. I saw Ali repairing his car.

اسم مصدر فعلی حسی

من دیدم که علی ماشینش را تعمیر می‌کرد.

b. I saw Ali repair his car

مصدر بودن to فعلی حسی

من دیدم که علی ماشینش را تعمیر می‌کرد.

نکته: در جمله a اشاره به جزئی از کار دارد، یعنی من داشتم رد می‌شدم و دیدم که علی در حال تعمیر بود. ولی در جمله b، یعنی من بالای سر او بودم و تمام کار را از ابتدا تا انتها مشاهده کردم.

نکته: بعد از افعال حسی مانند notice, smell, feel و find معمولاً از اسم مصدر استفاده می‌شود.

بوی سوختن به مشام می‌رسد.

### I Smell Something burning

اسم مصدر

ه: بعد از عبارت to be used to (عادت داشتن) و عبارت to get used to (عادت کردن از اسم مصدر استفاده می‌شود).

I am used to living in this crowded city.

من به این شهر شلوغ عادت دارم.

You'll get used to living in Tehran.

شما به زندگی در تهران عادت خواهید کرد.

### مصدر بودن [ Infinitive without To ] to

الف: بعد از افعالی مانند make, let, help, have از مصدر بدون to استفاده می‌شود.

He	{	made me	go	او مرا وادار به رفتن کرد.
		helped		او کمک کرد بروم.
		let		او اجازه داد بروم.
		had		او مجبور کرد بروم.

ب: بعد از افعال کمکی مانند can, must, might, may, should, will, used to, had better و would rather نیز بدون to استفاده می‌شود.

I	{	can	go	من می‌توانم بروم.
		must		من باید بروم (اجباراً)
		should		من باید بروم (اخلاقاً)
		may		من شاید بروم
		will		من خواهم رفت
		used to		من عادت داشتم بروم (یعنی الان نمی‌روم)
		had better		من بهتر است بروم
		would rather		من ترجیح می‌دهم بروم.

نکته: بعد از افعال حسی و افعالی مانند make و help در صورتیکه در حالت مجهولی بکار روند، از مصدر استفاده می‌شود.

معلوم { He made me study

مجهول { I was made to study

معلوم { I saw Ali repairing his car.



مجهول {Ali was seen to repair his car.

معلوم {I helped Reza clean his room.

مجهول {Reza was helped to clean his room.

نکته: بعد از فعل need به صورت زیر عمل می‌کنیم.

[ مصدر + needs + فاعل ]

[ اسم مصدر + needs + مفعول ]

Reza needs to get help.

فاعل                      مصدر

رضا نیازمند گرفتن کمک است.

This wall needs painting.

مفعول                      اسم مصدر

این دیوار به نقاشی نیاز دارد.

### Self Test

- Your friend will let me ..... his dictionary for a few minutes.  
1) to use                      2) use                      3) using                      4) used
- He is used .....English very hard because he's going to visit England.  
1) study                      2) to study                      3) to studying                      4) studying
- You caught a bad cold, you'd better ..... home for a few days.  
1) stay                      2) to stay                      3) staying                      4) stayed
- A dependent country needs ..... a lot of help from other country.  
1) get                      2) to get                      3) getting                      4) got
- The army officer ordered the soldiers ..... the enemy forces.  
1) attack                      2) to attack                      3) attacking                      4) attacked
- "I usually meet your brother in the park" "Yes, he enjoys ..... there.  
1) to walk                      2) walk                      3) walked                      4) walking
- I generally prefer to stay home and do my homework instead of .... football.  
1) playing                      2) to play                      3) play                      4) played
- A good student are always expected ..... clever and polite.  
1) be                      2) to be                      3) being                      4) been
- Amir told us ..... for him if he was late another time.  
1) don't wait                      2) not wait                      3) not to wait                      4) not waiting
- He stopped ..... when he noticed his friend at the bus – stop.  
1) ride                      2) to ride                      3) riding                      4) rides

11. I can see Jack ..... to his friend now.  
 1) talk                      2) to talk                      3) talked                      4) talking
12. They will be made ..... their shopping tomorrow.  
 1) to do                      2) do                      3) doing                      4) to doing
13. .... a foreign language is not very difficult.  
 1) To learn                      2) Learning                      3) Learn                      4) To learning
14. He should ..... now. He is very tired.  
 1) resting                      2) to rest                      3) rests                      4) rest
15. "You are very sleepy" . "You should ..... last night."  
 1) rest                      2) resting                      3) rested                      4) have rested

Adjectivesصفات

صفات در انگلیسی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف: صفات با قاعده: صفاتی هستند که طبق قاعده مشخصی تفضیلی و عالی می‌شوند.

ب: صفات بی‌قاعده: صفاتی هستند که تابع قانون خاصی نیستند و برای خود تفضیلی و عالی جداگانه دارند.

- صفات با قاعده {
۱. یک سیلابی → old – tall – new – short – thin – fat – young.....
  ۲. دو سیلابی → heavy – pretty – happy – easy – busy .....
  ۳. چند سیلابی → beautiful – important – difficult – expensive....

۱- قبل از اسم a young man

اسم

محل صفت

۲- بعد از افعال ربطی مانند: [ appear – Smell – taste – Seem – look – feel – become – be ]

My dictionary is large.

صفت فعل ربطی

دیکشنری من بزرگ است.

The cake tastes good.

صفت

آن کیک مزه خوبی دارد.

The flower smells nice.

صفت

آن گل بوی خوبی دارد.

Reza feels well.

صفت

رضا حالش خوب است.

I became happy.

صفت

خوشحال شدم.

You look sad.

صفت

غمگین به نظر می‌رسید.



توجه: well اگر به معنای تندرستی و سلامتی باشد در نقش صفت در جمله ظاهر می‌شود و با فعل ربطی بکار می‌رود.  
توجه: taste و smell می‌توانند در نقش فعل اصلی ظاهر شوند به شرطی که معنای آنها به مزه کردن و بوئیدن تغییر کند.

I Smell the flower well

من گل را به خوبی می‌بویم.

فعل اصلی      قید

I taste the food before eating it.

من غذا را قبل از خوردن می‌چشم.

[ slow + ly → Slowly ]

تکته: با افزودن ly به اکثر صفات با قاعده: قید حاصل می‌شود. مانند:

ولی بعضی از صفات که خود دارای ly هستند،

با کلمات way و یا manner تبدیل به قید می‌شوند. مانند:

friendly + way → friendly way

friendly, cowardly – kindly – lively – lonely

این صفات عبارتند از:

He smiled at me in a friendly way.

مثال:

۱- مقایسه برابری ( تساوی )

۲- مقایسه برتری ( تفضیلی )

۳- مقایسه برترین ( عالی )

مقایسه صفات و قیود

۱- مقایسه برابری: اگر دو چیز و یا دو شخص را بخواهیم با هم برابری دهیم از الگوی as.....as استفاده می‌کنیم.

[ as + صفت ساده + as ]

He is as young as my brother

صفت      فعل ربطی

He is not as young as my brother. او هم سن برادر من است.

He is not so young as my brother. او هم سن برادر من نیست.

توجه: در مقایسه برابری منفی می‌توانیم از الگوی as.....so نیز استفاده کنیم.

تکته: اگر در جمله به جای فعل ربطی از فعل اصلی استفاده شود، در الگوی as.....as از قید ساده استفاده می‌شود

[ as + قید ساده + as ]

He drives as carefully as my brother.

قید ساده      فعلی اصلی

توجه: اگر به جای الگوی as.....as از الگوی the same.....as استفاده شود، به جای صفت و یا قید ساده، از اسم

استفاده می‌شود.

## [ The same + اسم + as ]

My watch is the Same price as yours.

ساعت من هم قیمت ساعت شماست.

۲- مقایسه برتری ( تفضیلی ): هر گاه بخواهیم چیزی را به شئی دیگر و یا شخصی را به شخص دیگر برتری رجحان دهیم از این مقایسه استفاده می کنیم.

توجه: برای صفات یک بخشی ( یک سیلابی ) و تعداد از صفات دو بخشی ( دو سیلابی ) مانند - heavy busy - pretty - easy و happy از الگوی زیر استفاده می شود.

## [ er + than + صفت یک بخشی ]

یک بخشی	{	tall + er → taller than	بلندتر از
		easy + er → easier than	آسانتر از

توجه ۲: برای مقایسه صفات و یا قیود چند بخشی از الگوی مقابل استفاده می کنیم.

[ more + صفت چند بخشی + than ]

از قید چند بخشی تر

{	more <u>careful</u> than	صفت
	more <u>carefully</u> than	قید

He is more careful than you ( are ) .

او دقیق تر از شماست.

He types more carefully than you ( do ).

او دقیق تر از شما تایپ می کند.

۳- مقایسه برترین ( عالی ): هر گاه چیزی را بین اشیاء دیگر و یا شخصی را بین گروه و یا جمعی بخواهیم مقایسه کنیم از این نوع مقایسه استفاده می شود. در الگوهای زیر:

## A: [ the + tall + est ] / [ the + easy + est ]

بلند ترین آسان ترین

## B: [ the + most careful ] / [ the most carefully ]

دقیق ترین با دقت ترین

پ: صفات و قیود بی قاعده عبارتند از:

little , bad , much , good , far  
a little badly many well



صفت و قید ساده	برابری	برتری	برترین
Good / well خوب	as $\frac{\text{good}}{\text{well}}$ as	better than	the best بهترین
bad / badly بد	as $\frac{\text{bad}}{\text{badly}}$ as	worse than	the worst بدترین
much / many زیاد	as $\frac{\text{much}}{\text{many}}$ as	more - than	the most بیشترین
late دیر (با قاعده)	as late as	later than	the latest آخرین
little کم	as little as	less than	the least کمترین
far	as far as	دورتر { far ther } بیشتر { fur ther } than	the { far thest } دورترین { fur thest } بیشترین

## [حروف اضافه بعد از صفات:]

*afraid of /*she was *afraid of* dogs.

ترسیدن از

او از سگها می ترسد

*angry with*She is not *angry with* you

عصبانی از

او از دست شما عصبانی نیست.

*bad / good at*Are you *good at* tennis ?

خوب / بد

آیا تنیس شما خوب است.

*concerned about*I'm a little *concerned about* my exam results.

نگران در مورد

کمی درباره نتایج امتحاناتم نگران هستم.

*sorry about / for*I'm *sorry for* you

متأسف درباره / برای

برای شما متأسفم

I'm *sorry about* giving you the wrong address.*pleased with*He is really *pleased with* the car.

راضی از

او از ماشین واقعاً راضی است.

*responsible for*who is *responsible for* this institute?

مسئول برای

چه کسی مسئول این آموزشگاه است؟

*interested in*

He is interested in shipping

علاقه مند به

او به کشتیرانی علاقه مند است.



insist on

She insisted on the importance of being punctual.

او بر اهمیت وقت شناسی تأکید کرد.

similar to Gold is similar to brass in color.

شبه به

persist in She persists in wearing that old fashioned hat.

اصرار کردن در

**Self Test**

- Zahra is a hard working student. She studies ..... other students.  
1) most seriously      2) more seriously than      3) more serious than      4) most serious
- Her grand mother works as ..... as a young woman.  
1) a. best      2) better      3) good      4) well
- Amir studies his lessons as ..... as Omid and Behrooz.  
1) hard      2) harder      3) hardly      4) hardest
- Robert does not write well. He has ..... hand writing in our class.  
1) badly      2) the worst      3) worse      4) bad
- I have ..... money of all.  
1) more      2) the most      3) much      4) many
- This is ..... hotel I have ever seen.  
1) good      2) better      3) the best      4) well
- He has ..... in formation of all.  
1) farther      2) further      3) the farthest      4) the furthest
- Ali looks ..... I think he has failed his exam.  
1) sad      2) sadly      3) happy      4) happily
- The soup tastes ..... I'll order it again.  
1) good      2) well      3) bad      4) badly
- Reza is not ..... today. We should take him to his doctor  
1) well      2) good      3) bad      4) badly



## Participle Adjectives

## صفات فاعلی و مفعولی

صفات فاعلی با افزودن ing به فعل ساخته می‌شود. [ صفت فاعلی → +ing فعل ]

amuse+ing → amusing سرگرم کننده

confuse+ing → confusing گیج کننده

excite+ing → exciting هیجان آور

frighten+ing → frightening ترسناک

tire+ing → tiring خسته کننده

bore+ing → boring کسل کننده

scare+ing → scaring ترسناک

توجه: صفات فاعلی همان طور که نامشان پیداست با فاعل بکار می‌روند.

the puzzle is amusing.

معما سرگرم کننده است.

the class is tiring

کلاس خسته کننده

the address is confusing

آدرس گیج کننده است.

توجه ۲: لزوماً فاعل‌ها غیر انسان نمی‌باشند، می‌تواند فاعل انسانی هم با صفت فاعلی همراه شود.

Ali is tiring

علی خسته کننده است.

صفت مفعولی: اسم مفعول فعل (p.p) عموماً نقش صفت مفعولی را ایفا می‌کند و با مفعول جمله همراه می‌شوند.

[ p.p → +ed فعل با قاعده ]

excite+ed → excited هیجان زده

confuse+ed → confused گیج

frighten+ed → frightened ترسیده

scare+ed → scared ترسیده

tire+ed → tired خسته

amuse+ed → amused سرگرم

توجه: لزوماً صفات مفعولی فعل با قاعده نیستند، افعال بی‌قاعده نیز این نقش را می‌توانند داشته باشند. مانند:

broken leg یک پای شکسته

صفت مفعولی

I am tired because the book is tiring.

خسته هستم چون کتاب خسته کننده است.

صفت فاعلی      فاعل      صفت مفعولی      مفعول

تکته: عموماً ed فرمها (صفات مفعولی) اشاره به شخص می کند، در صورتیکه ing فرمها (صفات فاعلی) اشاره به غیر انسان دارد.

I am pleased because the results are pleasing.

من خوشنود هستم چون نتایج راضی کننده است.

صفت فاعلی      صفت مفعولی

The police were confused because the information was confusing.

پلیس گیج شد چون اطلاعات گیج کننده بود

مفعول      صفت مفعولی      فاعل

### Self Test

- The lesson was ..... and the children became tired.  
 1) interested      2) interesting      3) confused      4) confusing
- I got ..... when I heard the news.  
 1) surprised      2) surprising      3) frightening      4) bore
- The horse is ..... I think some thing has frightened him  
 1) Scaring      2) Scared      3) frightening      4) exciting
- I couldn't do the puzzle right. It was .....  
 1) confused      2) confusing      3) amused      4) amusing



## ترتیب صفات:

## The adjective order

اگر اسمی توسط چندین صفت مورد توصیف واقع شود، صفات را به ترتیب الگوی زیر مرتب می‌کنیم.

[ش	+	ک	+	ا	+	ر	+	م	+	ا	+	..... ]
شمارنده‌های اسم (ش)	-	کیفیت (ک)	+	اندازه و شکل (ا)	+	رنگ (ر)	+	ملیت (م)	+	اسم جنس (ا)	+	اسم
a / an / the		nice		large		blue		Iranian		Silk		carpet
this / that		old		small		red		Turkish		Cotton		
first / second		expensive		round		cream		Chinese		Wooden		
one / two		new		square		golden		kashani		Iron		gold

a nice red Kashani Carpet فرش زیبای قرمز رنگ کاشان  
ش ک ر م اسم

توجه: ابتدا الگوی (شکار ما) را قبل از اسم امتحان کنید. ممکن است یک یا چند حرف از الگو حذف شود ولی ترتیب آن به هم نمی‌ریزد.

## Self Test

1- Did you see my ..... car ?

- 1) new beautiful red
- 3) beautiful new red

- 2) new red beautiful
- 4) red beautiful new

2- I bought a ..... shirt.

- 1) cotton blue big
- 3) blue big cotton

- 2) big blue cotton
- 4) cotton big blue

## ساختن اسم از صفت

۱- قبل از اسم a young man } محل صفت  
 ۲- بعد از فعل ربطی He is old }  
 ۳- بعد از How (صفت + How) }  
 صفت فعل ربطی

۱- بعد از صفت (a nice ..... ) } محل اسم  
 ۲- بعد از the (..... ) }

## زبان عمومی

توجه: با افزودن پسوند ness به بعضی از صفات می توان آنها را

صفت	اسم	ارتفاع	پسوند صفت	اسم	به اسم تبدیل کرد.
مرتفع	high	height	thick + ness	→ thickness	
عمیق	deep	depth	happy + ness	→ happiness	
طویل	long	length	lonely + ness	→ loneliness	
عریض	wide	width			ولی بعضی از صفحات از این قاعده مستثنی هستند مانند:

## Self Test

1- How ..... is Mount Everest ?

- 1) high                      2) long                      3) deep                      4) thick

2- This table is two meters .....

- 1) length                      2) width                      3) deep                      4) long

3- How do they measure the ..... of this lake ?

- 1) depth                      2) deep                      3) height                      4) high

## Countable and un Countable nouns

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش:

اسامی قابل شمارش اسامی هستند که آنها را در انگلیسی با a و an شمارش می کنیم. و در جمع به s یا es ختم می شوند.

a dog / two cats

a bench / two benches

توجه: بعضی از اسامی برای خود فرم جمع جداگانه دارند.

a man / two men

one child / two children

بعضی از اسامی هم مفرد و هم جمع می باشند.

a / sheep / two sheep

a fish / two fish

اسامی غیر قابل شمارش: اسامی هستند که نمی توان آنها را شمارش کرد و فاقد S جمع می باشند این اسامی عبارتند از:

homework / baggage / equipment / information

luggage / pollution / shopping / underwear / weather / entertainment

paper / knowledge / traffic / education / water / milk / bread

money / coffee / Jewellery.



مقایسه کنید:

Some <u>homework</u>	Some <u>Students</u>
اسم خیر قابل شمارش	اسم قابل شمارش
much <u>homework</u>	many <u>students</u>
a lot of <u>home work</u>	a lot of <u>students</u>
lost of <u>home work</u>	lots of <u>students</u>
a little <u>home work</u>	a few <u>students</u>
little <u>home work</u>	few <u>students</u>
plenty of <u>home work</u>	plenty of <u>students</u>

توجه: بعضی از اسامی S ندارند ولی اسم جمع هستند مانند crowd - people - police ولی بعضی از اسامی به S ختم

می‌شوند ولی جمع نیستند مانند Statistics - politics , mathematics - physics

مقایسه کنید: physics is my favorite lesson

فیزیک درس مورد دلخواه من است.

پلیس‌ها در خیابان هستند. police are in the street.

## TAG ENDING

## سوالی کوتاه آخر جمله:

اگر بخواهیم تاکید بر عبارتی داشته باشیم و نظر مخاطب را بدان جلب کرده و آن را هم نظر با خود کنیم از tag سوالی استفاده می‌شود.

توجه: tag ending در فارسی همان عبارت کوتاه ' مگه نه ' در زبان فارسی می‌باشد.

توجه: برای ساخت tag به جمله نگاه می‌کنیم، اگر دارای فعل کمکی باشد، از همان فعل کمکی برای ساخت یک جمله سوالی

کوتاه استفاده می‌کنیم در غیر این صورت از do , does و did استفاده می‌شود.

توجه: جمله اگر مثبت باشد، به صورت منفی tag را می‌سازیم و بالعکس .

	+	-
He <u>can</u>	Speak English fluently , <u>can't</u> he	
فعل کمکی	او انگلیسی را خیلی مسلط صحبت می‌کند، مگه نه؟	
	+	-
Reza <u>speaks</u>	English carefully, <u>doesn't</u> he?	
فعل اصلی	رضا انگلیسی را دقیق صحبت می‌کند، مگه نه؟	
	-	+
They won't come tomorrow, <u>will</u> they		
آنها فردا نخواهند آمد، مگه نه؟		

## Exceptions

1- I am a student, aren't I?  
was weren't

من یک دانشجو هستم، مگه نه؟

2- This is my class, isn't it?

این کلاس من است، مگه نه؟

3- Some body helped me, didn't they?

شخصی به من کمک کرد، مگه نه؟

4. He must be a doctor, isn't he?

او باید یک پزشک باشد، مگه نه؟

5. She must do her homework, musn't she?

او باید تکالیفش را انجام دهد، مگه نه؟

6. I have to go there, don't I?  
had to didn't

من باید به آنجا بروم، مگه نه؟

7. she has to come on time, doesn't she?

او باید به موقع بیاید، مگه نه؟

توجه: must اگر در مفهوم اجبار باشد، از خود must برای ساخت tag سوالی استفاده می‌شود ولی اگر در مفهوم نتیجه‌گیری و یا قیاس بکار رود (۴) از فعل be برای ساخت سوالی کوتاه استفاده می‌شود.

## Self Test

1. That man must see the police, .....?

1) is he

2) isn't he

3) must he

✓ 4) musn't he

2. He's been to School of language before, .....?

1) is he

2) isn't he

3) has he

✓ 4) hasn't he

3. My aun't never went to shiraz, .....?

✓ 1) did she

2) didn't she

3) does she

4) doesn't she

4. There wasn't any milk left, .....?

1) wasn't it

2) wasn't there

✓ 3) was there

4) was it

5. The class begins at 8 a.m, .....?

1) doesn't it/

2) does it

3) did it

4) didn't it

6. That man cured me in the park. He must be a docor, .....?

1) is he

✓ 2) isn't he

3) must he

4) mustn't he

7. The people never found the money stolen in the robbery, .....?

1) didn't he

2) did he

3) didn't they

✓ 4) did they

8. No one could survive the earth quake in Road Bar, .....?

1) could he

✓ 2) could they

3) couldn't

4) couldn't they

کلمه پرسشی:

## Question words

( WH ) Question words	What	چه
	When	کی
	Where	کجا
	Why	چرا
	Who	چه کسی (s)
	Whom	چه کسی (o)
	Which	کدام
	What time	چه وقتی
Whose	مال چه کسی	

## (H) Question words

How +

far	چقدر راه
long	چه مدت
often	چه مواقعی
wide	چه عرضی
high	چه ارتفاعی
much	چقدر
many	چه تعداد

توجه: بعد از کلمات پرسشی همیشه جمله به صورت سوالی بکار می‌رود مانند:

How many students + are there in your class?  
 اسم قابل شمارش      جمله به صورت سوالی

چه تعداد دانش آموز در کلاس شما می‌باشد؟

How much money + do you have ?  
 اسم غیر قابل شمارش      جمله به صورت سوالی

چه مقدار پول دارید؟

Whose book + did you borrow ?  
 اسم      جمله به صورت سوالی

کتاب چه کسی را شما قرض کردید؟

Who ( m ) + did you take to school?  
 جمله به صورت سوالی

توجه: who فاعلی است و whom مفعولی می‌باشد ولی می‌توانیم who را به جای whom استفاده کنیم.



where did you go?

شما کجا رفتید؟

What does she buy every week ?

او هر هفته چه می‌خرد؟

توجه: اگر who و what فاعل جمله را مورد سوال قرار دهد دیگر نیازی نیست که بعد از آن جمله به صورت سوالی تبدیل شود.

{ Reza went to the park yesterday. رضا دیروز به پارک رفت.

فاعل

{ Who went to the park yesterday ? چه کسی دیروز به پارک رفت.

فاعل

{ The flood destroyed the village. سیل روستا را ویران کرد.

فاعل

{ what destroyed the village .? چه چیزی روستا را ویران کرد؟

فاعل

توجه بعد از عبارت زیر جمله از حالت سوالی خارج می‌شود.

### [ I know / I remember / I show ]

مثال:

"wheredid Ali go?"

نمی‌دانم علی کجا رفت.

"Idon't know where Ali went"

'what time is it?'

نمی‌دانم ساعت چند است.

'Idon't know what time it is'.

'what did she tell you about me?'

نمی‌دانم درباره شما چه گفت.

'Idon't remember what she told me about you.'

'How does this machine work?'

به شما نشان خواهم داد که این دستگاه چگونه کار می‌کند.

"I'll show you how this machine works soon"

### Self test

1. How much money ..... now?

1) he has

2) does he have

3) did he have

4) he had

2. where ..... Reza last night?  
 1) you saw                      2) you see                      ✓ 3) did you see                      4) do you see
3. " ..... did you meet last night?" " I met nobody"  
 1) where                      2) whom ✓                      3) which                      4) when
4. ' what ..... in Brasil? ' " coffee grows there"  
 1) grow                      ✓ 2) grows                      3) does grow                      4) did grow
5. ' Do you think he will bring the right book' ? Yes , I told him ..... book to bring' .  
 1) which ✓                      2) why                      3) where                      4) whom
6. "Do you think Mohsen will pronounce the word correctly ?"  
 " yes, I told ..... to pronounce it."  
 1) why                      2) when                      3) where                      ✓ 4) how
7. They should learn ..... to save their energy while playing.  
 1) how ✓                      2) who                      3) what                      4) which
8. Don't worry. I know ..... to find him. He can not go far away.  
 1) what                      2) how long                      3) when                      ✓ 4) where
9. As soon as I sat at the table the waiter asked me what .....  
 1) do you want                      2) did I want                      3) you want                      ✓ 4) I wanted
10. He doesn't remember why ..... there.  
 1) did he go                      2) he went ✓                      3) does he go                      4) he goes

## « قیود تأکید »

$$\left[ \text{So} + \frac{\text{صفت}}{\text{قیود}} + \text{that} \dots\dots \right]$$

 The weather is So hot that I can't go out .

صفت آنقدر

هوا آنقدر گرم است که بیرون نمی توانم بروم

 The drive drives So slowly that I can't reach there on time.

قیود آنقدر

توجه می‌توان به جای So از too استفاده کنیم.

The weather is too hot to go out.

[ مصدر + صفت + too ]

هوا آنقدر گرم است که بیرون نمی‌شود رفت.

نکته: در جملاتی که از too استفاده می‌شود، ظاهر جمله مثبت می‌باشد ولی از لحاظ معنایی منفی هستند.

[ مصدر + قید + too ]

آندر

The driver drives too slowly ( to reach there on time ).

آندر

آن راننده خیلی آهسته می‌راند ( یعنی نمی‌توانیم سر وقت برسیم ).

[ Such a/an + صفت + that..... ]

آندر

It is such hot weather that I can't go out.

اسم غیر قابل شمارش صفت

آنچنان هوای گرمی است که نمی‌شود بیرون رفت.

He is such a slow driver that I can't reach on time.

اسم قابل شمارش صفت

او آنچنان راننده کندی است که من نمی‌توانم سر وقت برسم.

نکته: در بعضی از جملات بعد از Such فقط از اسم استفاده می‌شود مانند جمله زیر:

Maryam is such a student that she can pass her exams easily.

اسم

مریم آنچنان دانش‌آموزی است که می‌تواند همه امتحانات را براحتی قبول شود.

[ enough + اسم ]

کافی

I have enough money to travel around the world.

مصدر اسم

پول کافی برای گردش به دور دنیا را دارم.

The had enough time to answer the tests.

مصدر اسم

آنها وقت کافی برای پاسخ به امتحانات را داشتند.

[ مصدر + enough + صفت ]

قید

Reza is strong enough to lift the box.

رضا به اندازه کافی قوی می‌باشد که آن جعبه را بلند کند.

The driver drove quickly enough to reach on time.

قید

مصدر

آن راننده بقدر کافی با سرعت حرکت کرد که سر وقت رسیدیم.

مقایسه کنید:

The music was too loud to listen.

صدای موسیقی آنقدر زیاد بود که نمی‌شد گوش داد.

The music was loud enough to listen

صدای موسیقی به اندازه کافی زیاد بود که بتوان گوش داد

توجه: همانطور که در دو جمله فوق مشاهده می‌کنید جمله اول که با too بیان شده به جمله معنای منفی را القا می‌کند در صورتیکه جمله دوم که با enough بیان شده به جمله معنای مثبت می‌دهد.

### Self Test

- The problem you are talking about is ..... small that it doesn't matter at all.  
 1) enough                      / 2) so                      3) too                      4) very
- Rose and Mary are ..... clever <sup>of</sup> students that they Can pass all their exams.  
 1) so                      2) such ✓                      3) too                      4) enough
- your friend behaved ..... bravely that every one admired him.  
 1) such                      2) too                      3) so                      4) enough
- the car is ..... damaged that it can't be repaired easily.  
 1) so                      2) enough                      3) very                      4) too
- You can't lie in the back seat Jack, you're taking .... room.  
 1) too much /                      2) too many                      3) very                      4) enough
- please drive more slowly. we have ..... time to get to the airport in time.  
 1) too                      2) enough /                      3) very                      4) so
- I can't put this bag in the picnic basket. It's ..... big to go in.  
 1) enough                      2) very                      / 3) too                      4) so
- " Is the room ..... to sleep ten people? " "The traveler asked".  
 1) so large                      2) such large                      3) very large                      ✓ 4) large enough
- This problem is ..... hard for a young girl like her to solve.  
 1) so                      2) enough                      ✓ 3) too                      4) such
- That book which you gave me to read was ..... interesting one that I finished it in one day.  
 1) so                      2) such an ✓                      3) too                      4) very

## AGREEMENT TO THE STATEMENT

موافقت با جمله خبری

اگر جمله‌ای بیان شود و ما هم بخواهیم با او هم نظر باشیم برای جلوگیری از تکرار از الگوهای زیر استفاده می‌شود.  
مثال:

علی: دیروز ما در میهمانی بودیم و به ما خوش گذشت.

رضا: دیروز ما هم در میهمانی بودیم و به ما خوش گذشت.

برای جملات مثبت { and so am I.  
do  
and I am too.  
do

توجه: اگر جمله اصلی (خبر دارای فعل کمکی باشد) در الگوی ذکر شده، از همان فعل کمکی استفاده می‌شود در غیر استفاده می‌شود در غیر این صورت از do, does, did استفاده می‌کنیم.  
مانند

She can swim well { and so can my sister.  
and my sister can too.

او می‌تواند خوب شنا کند، خواهر من هم همینطور!

They went on a trip yesterday { and so did my parents.  
and my parents did too.

آنها دیروز به مسافرت رفتند، والدین من همین‌طور!  
توجه در جملات منفی از الگوی زیر استفاده می‌شود.

برای جملات منفی { and neither / nor am I.  
do  
and I am not either.  
do

They couldn't come on time { and neither could we.  
and we couldn't either

آنها نتوانستند سر وقت بیایند، ما هم همینطور!

**Self Test**

1. George never plays in the streets with his friends and .....  
1) Jack does too      2) Jack doesn't either      3) neither is Jack      4) so does Jack
2. He couldn't drive a car when he was at school and ..... could my brother.  
1) either      2) neither      3) so      4) too
3. He's prevented from watching TV before doing his homework and .....  
1) so have I      2) so am I      3) I have too      4) I'm not either
4. He's never angry with me and .....  
1) so is she      2) she has too      3) nor do we      4) neither will we
5. You won't go shopping tomorrow and .....  
1) we don't either      2) so will we      3) nor do we      4) neither will we
6. Mother won't be back soon and Reza won't .....  
1) so      2) too      3) either      4) neither

## CAUSATIVE MOOD

## وجه سببی

وجه سببی: هرگاه کاری را خود انجام ندهیم؛ ولی به خود نسبت دهیم آن را وجه سببی گوئیم.

مانند: ما پارسال یک ساختمان ساختیم.

دندانم را دیروز کشیدم.

ماشین را رنگ خواهم کرد.

می خواهد بینی خود را عمل کند.

توضیح: همانطور که متوجه شدید در جملات بالا کننده کار (فاعل) شخص دیگری می باشد مثلاً خانه را کارگر و بنا می سازد، دندان را

دندانپزشک می کشد، ماشین را نقاش رنگ می کند و بینی را دکتر جراح عمل می کند.

وجه سببی به دو دسته تقسیم می شوند.

الف) وجه سببی مجهول: جملاتی هستند که نامی از کننده کار برده نمی شود.

ب) وجه سببی معلوم: جملاتی هستند که نام کننده کار (فاعل) باید ذکر شود.

## وجه سببی مجهول:

[ P.P + مفعول شیء + /  $\frac{\text{have / has}}{\text{had}}$  /  $\frac{\text{get}}{\text{got}}$  + فاعل ظاهری ]

توجه: فاعل ظاهری همان شخصی است که می خواهد باعث شود تا کاری توسط شخص دیگر (فاعل واقعی) انجام شود.

توجه: مفعول شیء همان چیزی است که کاربر روی آن انجام می شود مثل: خانه، ماشین، دندان، بینی و ....

مثال:

We had a house built last year.

فاعل ظاهری      علامت وجه سببی      مفعول شیء      P.P

I had my tooth taken out yesterday.

I am going to have my car painted.

She will have her nose operated.

توجه: در جملاتی که ذکر شد به جای have و یا had می توانیم از get یا got استفاده کنیم.

مانند: (ما پارسال یک خانه ساختیم.)

we got a house built last year.

فاعل ظاهری      علامت وجه سببی      مفعول شیء      P.P

تکته: در امتحانات تشخیص وجوه سببی کار چندان ساده‌ای نیست، ولی با الگوی زیر می‌توانیم کار را ساده کنیم

الگوی الف (۱)  $\left[ \frac{\text{have / has}}{\text{had}} / \frac{\text{get}}{\text{got}} + \text{غیر انسان} + \underline{\text{P. P}} \right]$

مانند:

My father had our television ..... as soon as he came back.

- a) repair                      b. repaired                      c) to repair                      d) repairing

توضیح: ابتدا باید شناسایی کنیم که آیا جمله فوق در حالت سببی بیان شده است، یا خیر؟ برای این کار ابتدا علامت وجه سببی را شناسایی می‌کنیم (had) و همان‌طور که مشاهده می‌کنید بعد از آن غیر انسان (our television) را داریم، پس طبق الگوی الف در قسمت نقطه‌چین P.P را از بین گزینه‌ها (b) انتخاب می‌کنیم.

تکته: در بعضی از تست‌ها دیده می‌شود که به جای غیرانسان در الگوی الف از انسان مفعول استفاده می‌شود که در این صورت در الگوی ما هیچگونه تغییری بوجود نمی‌آید.

الگوی الف (۲)  $\left[ \frac{\text{have / has}}{\text{had}} / \frac{\text{get}}{\text{got}} + \text{انسان مفعول} + \underline{\text{P. P}} \right]$

I am going to get my son ..... in this institute.

- a) teach                      b) to teach                      c) teaching                      d) taught

ترجمه: قصد دارم پسر را در این آموزشگاه بگذارم که به او درس بدهند.

توجه: بعد از علامت وجه سببی (get) اگر با اسم انسان (my son) برخورد کردیم، کافی است فعل مربوطه را که در گزینه‌ها آمده (teach) را با آن اسم ربط دهیم بعد متوجه خواهیم شد که آیا آن اسم می‌تواند آن فعل را انجام دهد و یا آن فعل برای او انجام می‌شود.

در جمله فوق متوجه می‌شویم که my son نقش مفعول را خواهد داشت، پس الگوی الف (۲) برای این جمله صدق می‌کند و گزینه صحیح (d) را انتخاب می‌کنیم.

وجه سببی معلوم:

در این جملات حتماً نام فاعل واقعی باید ذکر شود، مانند الگوی زیر:



## زبان عمومی

[	فاعل ظاهری	+	have / has had	+	فاعل واقعی	+	مصدر بدون to	+	مفعول شیء	]
	↓		↓		↓		↓		↓	
	We		had		an engineer		built		our house	Last year

ما پارسال دادیم یک مهندس خاتمان را ساخت.

I had a dentist pull out my tooth yesterday.

فاعل ظاهری    علامت وجه سببی    فاعل واقعی    مصدر بدون to    مفعول شیء

دیروز دادم یک دندانپزشک دندانم را کشید.

I am going to have Reza paint my car..

فاعل ظاهری    زمان آینده    علامت سببی    فاعل واقعی    مصدر بدون to

قصد دارم بدهم رضا اتومبیلم را رنگ کند.

توجه: در امتحانات می‌توانیم برای ساده کردن فرمول سببی معلوم از الگوی زیر استفاده کنیم.

الگوی ب (۱) [ مصدر بدون to + انسان فاعل + have / has / had ] : وجه سببی معلوم (۱)

نکته: اگر در وجه سببی معلوم بجای have / has / had از get / got استفاده کنیم، باید به جای مصدر بدون to از مصدر با to

استفاده شود مانند الگوی زیر:

الگوی ب (۲) [ مصدر با to + انسان فاعل + get / got ] : وجه سببی معلوم (۲)

مثال:

My watch doesn't show the right time. I have to get a watch maker ..... it .

علامت    انسان فاعل

a) fix

b) to fix

c) fixing

d) fixed

ترجمه: ساعت درست کار نمی‌کنم، باید آن را بدهم به یک ساعت‌ساز تا آن را تنظیم کند.

توضیح: در جمله فوق get علامت وجه سببی است، بعد از آن انسان فاعل (a watch maker) آمده و بعد از آن در نقطه‌چین باید مصدر با to

طبق الگوی ب (۲) انتخاب شود.

## Self Test

1 - Why don't you have a workshop ..... in your house, you may need it for your job.

1) built

2) build

3) to be built

4) to build



while I was eating breakfast, I read the news paper.

= Eating breakfast, I read the news paper.

هنگامیکه صبحانه می خورم، روزنامه را هم خواندم.

while I was walking in the street, I ran into an old friend.

= while walking in the street, I ran in to an old friend.

= walking in the street, I ran into an old friend.

هنگامیکه در خیابان قدم می زدم، به یک دوست قدیمی برخورد کردم.

توجه: همانطور که ملاحظه می کنید در جملات فوق، ۲ کار توسط ۱ نفر در زمان گذشته به طور همزمان انجام شده است.

ب: وجه وصفی کامل:

هرگاه دو عمل توسط یک نفر در زمان گذشته به طور کاملاً غیر همزمان یعنی دوم منوط به تکمیل عمل اول است، انجام شود برای بیان آن

از وجه وصفی کامل استفاده می کنیم تکمیل عمل اول است،

After he had worked for 30 years, he finally re tired last year.

= Having worked for 30 years, he finally retired last year.

بعد از ۳۰ سال کار کردن بالاخره پارسال بازنشسته شد.

عمل اول                      عمل دوم

توجه: همانطور که ملاحظه می کنید این ۲ عمل نمی تواند به طور همزمان باشد.

نمونه سوال:

Asking his friend a question in the street , .....

- he solves the problem
- she knew a lot
- I invite him to dinner
- he came back home at 6 o'clock
- he met his teacher

توضیح:

گزینه a نادرست است، چون فعل ( solves ) در زمان حال بیان شده .

گزینه b نادرست است، چون فاعل ( she ) با فاعل جمله ( he ) متفاوت است.

گزینه c نادرست است، چون هم فاعل ( I ) با فاعل جمله اصلی ( he ) متفاوت است و هم فعل در زمان حال ( invite ) بیان شده.

گزینه d نادرست است، چون عمل انجام شده نمی تواند به طور همزمان انجام شده باشد.

گزینه e درست است، چون ۲ عمل انجام شده به نظر می رسد که همزمان صورت گرفته است.

### Self Test

- peter was feeling sick . He called a doctor. In other words, ..... Sick, he called a doctor .  
1) felt                      2) feeling ✓                      3) having felt                      4) to feel
- George was reading a story, he fell asleep. In other words ..... a story, George fell asleep.  
1) read                      2) having read                      3) reading                      4) to read
- ..... the whole morning, the young boys went home happily.  
1) swimming                      2) Having swum ✓                      3) swam                      4) to swim

تلفن شما الآن اشغال است. Your telephone line is busy now. گواه  
 حال استمراری  
 یک نفر باید مشغول استفاده از آن باشد. Someone must be using it now. قیاس

تلفن شما دیروز اشغال بود. Your telephone line was busy yesterday. گواه  
 گذشته ساده  
 یک نفر باید از آن استفاده کرده باشد. Someone must have used it yesterday. قیاس  
must have been using

تکته: فرم منفی [must have + P.P] ← می شود ← [can't / may not have + P.P]

### گذشته غیر واقعی unreal past

[should / ought to + have + P.P]

تعریف: هرگاه کاری که می بایست در زمان گذشته انجام گرفته باشد، ولی به علی انجام نشود برای بیان آن از الگوی فوق استفاده می کنیم.

مثال: شما باید ساعت 8 می آمدید. You should have arrived at 8 o'clock. ought to

مثال: علی از امتحان مردود شد، او باید بیشتر درس می خواند. Ali failed his exam. He should have studied more.

### Unreal past

[could + have + p.p]

تعریف: هرگاه توانائی انجام کاری را در زمان گذشته داشته باشیم ولی از آن توانائی استفاده نشود، برای بیان آن از فرمول فوق استفاده می شود.

مثال: شما دیروز می توانستید به من کمک کنید ولی این کار را نکردید.

You could have helped me yesterday, but you didn't.

مثال: چرا در امتحان کنکور شرکت نکردی، می توانستی قبول بشی.

Why didn't you take the university entrance examination? You could have passed it.

unreal past

may	have + P.P
might	

تعریف: فرمول فوق احتمال انجام کار است در زمان گذشته، که مورد استفاده قرار نگرفته است.

مثال: نمی دانم ساعت کجاست، احتمالاً جایی آن را جا گذاشتم.

I don't know where my watch is.

I may have left it somewhere.  
might

**Self Test**

- The host was rich and ..... more and better food for the guests, but he didn't.  
1) could prepare      2) must prepare      3) could have prepared      4) must have prepared
- I sent a telegram to our uncle a few days ago. He ..... have received it by now.  
1) could      2) must ✓      3) should      4) would
- Why did you leave the door of the house open last night? Some one ..... in.  
1) should have come      2) must come      3) could have come ✓      4) should come
- What a beautiful painting ! It ..... by a famous painter.  
1) must have painted      2) must have been painted ✓      3) should have been painted  
4) should have painted
- When I woke up this morning, the light was on. Someone ..... have forgotten to turn it off.  
1) could      2) must ✓      3) should      4) would
- You missed the train because you walked to the station. You ..... a taxi or a bus.  
1) must have taken      2) must take      3) should take      4) should have taken ✓
- George went to work in his own car this morning, so his car ..... down last night.  
1) can't break      2) can't have broken ✓      3) shouldn't break      4) must have broken
- He thinks I ..... have given him every bit of information about the examination, but I didn't.  
1) must ✓      2) would      3) ought to      4) should
- Your friend Ali, knows everything about our decision. He ..... to our conversation.  
1) should listen      2) must listen      3) must have listened ✓      4) should have listened
- Mother thinks that I ..... have eaten that much food in the party.  
1) mightn't      2) mustn't      3) shouldn't ✓      4) wouldn't



## Conditional Sentences

## جملات شرطی

## Type one: Real present

## نوع اول: حال واقعی یا آینده ممکن

شرطی نوع اول از لحاظ معنایی به زمان حال یا آینده ممکن اشاره می‌کند.

ساختن یک جمله شرطی:

[ If clause , Main clause ]

عبارت شرط

جواب شرط

فرمول شرطی نوع اول:

[ If + فاعل + ]	فعل حال فعل حال استمراری فعل حال کامل استمراری مصدر بدون to + can	+ فاعل و ..... +	will can should must might ought to may	[ .... + مصدر بدون to ]
-----------------	----------------------------------------------------------------------------	------------------	-----------------------------------------------------------	-------------------------

If Ali studies , he will pass the test

اگر علی درس بخواند، قبول خواهد شد.

If Ali is studying , he can pass the test

اگر علی همین الان در حال خواندن باشد، می‌تواند قبول شود.

If Ali has studied, he should pass the test

اگر علی درس خوانده باشد، باید قبول شود.

If Ali has been studying , he might pass the test

اگر علی بدون وقفه درس خوانده باشد، فکر می‌کنم قبول شود.

If Ali can study , he ought to pass the test.

اگر علی بتواند درس بخواند، باید قبول شود.

توجه ۱: همانطور که ملاحظه کردید در قسمت عبارت شرط ( If clause ) فقط از زمانهای مربوط به حال استفاده شده بود و

در قسمت جواب شرط ( Main clause ) نتیجه در زمان آینده ممکن و یا حال بیان شده است.

نکته ۱: در امتحانات ممکن است به جای If از when استفاده شود مانند :

when Ali studies hard , he will pass the test.

وقتی که علی سخت درس بخواند، قبول خواهد شد.

توجه: پس ما می‌توانیم یک فرمول دیگر به فرمولهای when که قبلاً ذکر شد را یاد بگیریم

[ ..... + فعل آینده + فاعل و ..... + فعل حال ساده + فاعل + when ]

توجه ۲: در امتحانات معمولاً برای بیان حقایق کلی از when استفاده می‌شود.

when a baby is hungry, { he cries  
he will cry.

و

وقتی بچه گرسنه است، گریه می‌کند.

توجه ۳: در امتحانات بهتر است برای بیان حقایق از الگوی زیر استفاده شود.

[ جمله به زمان حال + جمله به زمان حال + when ]

when a baby is hungry, he cries.

when you heat the ice, It turns in to water.

حال

حال

حال

حال

( کاربرد unless در شرطی نوع اول )

unless = if not

[ جمله به زمان آینده + ، جمله به زمان حال ساده + unless ]

we won't be successful unless we study hard.

ما موفق نخواهیم شد، مگر اینکه سخت درس بخوانیم.

توجه ۳: می‌توان از کلمات و یا ادوات شرط دیگر هم برای بیان جملات شرطی استفاده کرد مانند :

a. provided ( that )

I will lend you my dictionary provided that you give it back in one day.

به شرط اینکه

b. suppose / supposing:

چه می‌شود اگر؟

suppose you fail your exam ?

چه می‌شود اگر از امتحان مردود شوی ؟

= what will happen if you fail your exam?

c. In case :

اگر در صورت :

In case it snows, we will have the picnic inside

= If it snows, we will have the picnic inside.

اگر برف بیارد، پیک نیک را در منزل برگزار می‌کنیم.



( حذف if از جمله شرطی نوع اول )

If I should = should I

If I should see your parents, I will tell them the story.

اگر احتمالاً ( بر حسب اتفاق ) والدین شما را ببینم ، قضیه را به آنها خواهم گفتم.

توجه: فقط در حالت فوق می‌توان با جا به جایی فعل کمکی ( should ) ، If را از جمله حذف کرد.

= should I see your parents, I will tell them the story .

**Type two : unreal present**

نوع دوم: حال غیر واقعی

( فرمول شرطی نوع دوم )

[ If + فاعل +	فعل گذشته ساده فعل گذشته استمراری	+ فاعل و ..... +	would could might	] + مصدر بدون to +

If Ali studied hard, he would pass the test.

اگر علی سخت درس می‌خواند، او قبول می‌شد. ( یعنی الان درس نخوانده و قبول نشده )

If Ali was studying hard, he might pass the test.

اگر علی مشغول درس خواندن می‌بود، احتمالاً از امتحان قبول می‌شد.

تعریف: شرطی نوع دوم از لحاظ معنایی به زمان حال غیر واقعی اشاره می‌کند مانند:

If I had enough money, I would buy that car.

اگر پول کافی داشتم، آن ماشین را می‌خریدم. ( یعنی الان پول کافی ندارم و نمی‌توانیم آن ماشین را بخرم )

( حذف If در شرطی نوع دوم )

a. If I were = were I

b. If I had = Had I

a. If I were concentrating more on the test, I could pass it.

اگر بیشتر بر روی امتحان تمرکز می‌کردم. می‌توانستم از آن قبول شوم.

a. = were I concentrating more on the test, I could pass it.

توجه: در شرطی نوع دوم به جای was از were استفاده می‌شود.



b. If I had any free time, I would meet with you.

b. Had I any free time , I would meet with you.

**Type three > unreal past**

شرطی نوع سوم : گذشته غیر واقعی

[ If + فاعل + had + P.P + ، ..... ، فاعل + would + have + P.P + ..... ]

could  
might

If Ali had studied hard, he would have passed the test.

اگر علی خوب درس خوانده بود، قبول می شد ( یعنی علی قبلاً درس نخوانده و قبول نشده )

If I had had enough money , I could have bought the car.

اگر پول کافی می داشتتم، می توانستم آن ماشین را بخرم ( یعنی قبلاً پول کافی نداشتم و نتوانستم آن ماشین را بخرم )

**If I had had = Had I had**

( حذف If از شرطی نوع سوم )

If she had had enough time, she might have met with you.

اگر او وقت کافی می داشت، احتمالاً به دیدن شما می آمد.

= Had she had enough time, she might have met with you.

توجه در تمام جملات شرطی که با If شروع می شوند، می توان جای If clause را با Main clause عوض کرد.

If I were rich , I would travel around the world

= I would travel around the world if I were rich.

### Self test

1. If it rains, I ..... you home by car.

1) would take

2) will take

3) would have taken

4) take

2. If your little sister cut her hand with a knife , what ..... you do ?

1) will

2) would

3) did

4) do

3. I'd have sent you a postcard while I was on holiday if I ..... you're address.

1) had had

2) had

3) have had

4) would have

4. what would Reza have said if you ..... Him the same question?

1) asked

2) had asked

3) were asked

4) would ask

5. If I were asked to look after my grand mother, I ..... it.

1) accept

2) accepted

3) will accept

4) would accept



6. we ..... the north of Iran if we had a long summer vacation this year.  
1) will visit                      2) would visit                      3) will have visited                      4) would visited have
7. They ..... out if the weather hadn't been so bad.  
✓ 1) could have gone                      2) could go                      3) must go                      4) must have gone
8. I am sure he could pass the test if he ..... a little harder.  
1) has tried                      ✓ 2) tried                      3) was tried                      4) would try
9. I don't have any money . If I ..... money, I ..... You.  
1) have / will help                      2) had had / would have helped  
3) had / would help                      ✓ 4) had / can help
10. we won't go out unless he ..... at home.  
✓ 1) stays                      2) stayed                      3) will stay                      4) would stay
11. If they had bought the car last year, they ..... a trip now.  
✓ 1) could take                      2) were taking                      3) would have taken                      4) can take
12. It rained yesterday, so we could not go on a picnic. we can understand that;  
1) If it rained, you would not go on a picnic.  
2) If it didn't rain , you would go on a picnic.  
3) If it doesn't rain , you will go on a picnic.  
✓ 4) If it hadn't rained, you would have gone on a picnic.
13. I don't have time, other wise, I ..... you.  
✓ 1) would help                      2) would have helped                      3) will help                      4) will have helped
14. .... he received the letter, he would have answered to you.  
1) supposing                      2) provided                      ✓ 3) Had                      4) If
15. This apartment would be perfect if it ..... a little larger.  
1) is                      2) was                      ✓ 3) were                      4) be
16. I would have checked my paper again if I ..... more time .  
1) had                      2) have                      ✓ 3) had had                      4) have had
17. If her mother let her, she ..... longer.  
1) stays                      2) will stay                      ✓ 3) would stay                      4) would have stayed





توجه ۲: در جملات آرزوی I wish به جای was از were استفاده می‌شود.

I wish I were you      ایکاش جای شما بودم.

### Self Test

- I wish I ..... your address now.  
1) know      ✓ 2) knew      3) had known      4) will know
- Did you go to the cinema last night? 'Yes, but I wish I ..... tomorrow night'.  
1) had gone      2) will go      ✓ 3) could go      4) hadn't gone
- My boss gives me so much work. I wish he ..... me so much work.  
1) hadn't given      2) hasn't      ✓ 3) wouldn't give      4) is given
- I wish I ..... to buy a new car next week.  
1) was able      2) had been able      3) were able      ✓ 4) would be able
- My friend is leaving here. I wish she ..... longer with us. *امری که بماند*  
1) stays      ✓ 2) stayed      3) will stay      4) can stay
- I wish I ..... how to use water - color in painting when I was young. *امری که یاد بگیرم*  
1) could learn      2) would learn  
3) had learned /      4) have learned
- What a pity she's tired of studying hard! I wish she .....  
1) hasn't been      2) hadn't been      3) isn't      ✓ 4) weren't
- He wished he ..... the money to buy the car the other day.  
1) didn't borrow      2) wouldn't borrow      3) hasn't borrowed      ✓ 4) hadn't borrowed
- Last week a thief found the opportunity to steal my bicycle. I wish he ..... the chance.  
1) hasn't      ✓ 2) hadn't had      3) didn't have      4) couldn't have
- The boss is used to imposing his idea on the members of the group, I wish he ..... this bad habit.  
1) change      ✓ 2) changed      3) had changed      4) can change

### Simple or perfect participle

#### وجوه وصفی ساده یا کامل

الف: وجه وصفی ساده (ing + فعل)

ب: وجه وصفی کامل (Having + p.p)

الف: وجه وصفی ساده:

هر گاه دو عمل توسط یک نفر در زمان گذشته به طور همزمان (یا تقریباً همزمان) انجام گیرد برای بیان آن از وجه وصفی ساده استفاده می‌شود.

while I was eating breakfast, I read the news paper.

= Eating breakfast, I read the news paper.

هنگامیکه صبحانه می‌خورم، روزنامه را هم خواندم.

while I was walking in the street, I ran into an old friend.

= while walking in the street, I ran in to an old friend.

= walking in the street, I ran into an old friend.

هنگامیکه در خیابان قدم می‌زدم، به یک دوست قدیمی برخورد کردم.

توجه: همانطور که ملاحظه می‌کنید در جملات فوق، ۲ کار توسط ۱ نفر در زمان گذشته به طور همزمان انجام شده است.

ب: وجه وصفی کامل:

هرگاه دو عمل توسط یک نفر در زمان گذشته به طور کاملاً غیر همزمان یعنی دوم منوط به تکمیل عمل اول است، انجام شود برای بیان آن

از وجه وصفی کامل استفاده می‌کنیم تکمیل عمل اول است،

After he had worked for 30 years, he finally re tired last year.

= Having worked for 30 years, he finally retired last year.

بعد از ۳۰ سال کار کردن بالاخره پارسال بازنشسته شد.

عمل اول                          عمل دوم

توجه: همانطور که ملاحظه می‌کنید این ۲ عمل نمی‌تواند به طور همزمان باشد.

نمونه سوال:

Asking his friend a question in the street , .....

- a. he solves the problem
- b. she knew a lot
- c. I invite him to dinner
- d. he came back home at g o'clock
- e. he met his teacher

توضیح:

گزینه a نادرست است، چون فعل ( solves ) در زمان حال بیان شده .

گزینه b نادرست است، چون فاعل ( she ) با فاعل جمله ( he ) متفاوت است.

گزینه c نادرست است، چون هم فاعل ( I ) با فاعل جمله اصلی ( he ) متفاوت است و هم فعل در زمان حال ( invite ) بیان شده.

گزینه d نادرست است، چون عمل انجام شده نمی‌تواند به طور همزمان انجام شده باشد.

گزینه e درست است، چون ۲ عمل انجام شده به نظر می‌رسد که همزمان صورت گرفته است.

### Self Test

1. peter was feeling sick . He called a doctor. In other words, ..... Sick, he called a doctor .

- 1) felt
- 2) feeling ✓
- 3) having felt
- 4) to feel

2. George was reading a story, he fell asleep. In other words ..... a story, George fell asleep.

- 1) read
- 2) having read
- 3) reading
- 4) to read

3. .... the whole morning, the young boys went home happily.

- 1) swimming
- 2) Having swum ✓
- 3) swam
- 4) to swim



4. My brother said , “ ..... the furniture , he felt a sharp pain in his back.”

- 1) Being lifted      2) Having lifted      3) lifted      4) To lift

5. .... all the way , I got home and told my father the good news.

- 1) Ran      2) Run      3) Running      4) To run

### بیان منظور Reason clause

**توضیح:** بیان منظور در انگلیسی با کلمات **because of** , **because** , **for** , **in order that** , **So that** , **in order to** , **to** می تواند صورت گیرد.

I went to shiraz **to** visit the city.

به شیراز رفتم تا از شهر دیدن کنم.

I went to shiraz **in order to** visit the city.

I went to shiraz **so that** I  $\left\{ \begin{array}{l} \text{could} \\ \text{would} \\ \text{might} \end{array} \right.$  visit the city

به شیراز رفتم تا بتوانم از شهر دیدن کنم.

I went to shiraz **in order that** I could visit the city.

به شیراز رفتم جهت دیدن از شهر .

I went to shiraz **for** visiting the city.

به شیراز رفتم به خاطر اینکه می خواستم از شهر دیدن کنم.

I went to shiraz **because** I wanted to visit the city.

به شیراز رفتم به خاطر باز دیدن از شهر.

I went to shiraz **because of** visiting the city.

الگوهای زیر را جهت بیان منظور بخاطر بسپارید.

تا اینکه → الف  $\left[ \begin{array}{l} \text{So that} \\ \text{in order that} \end{array} \right.$  + فاعل +  $\left\{ \begin{array}{l} \text{can / could} \\ \text{may / might} \\ \text{will / would} \end{array} \right.$  + مصدر بدون **to**

ب → زیرا  $\left[ \begin{array}{l} \text{because} \\ \text{since} \end{array} \right.$  + فاعل + فعل

ج → بخاطر  $\left[ \text{because of} + \text{ing} \right]$  /  $\left[ \text{because of} + \text{اسم} \right]$

د →  $\left[ \text{in order to / to} + \text{to} \right.$  + مصدر بدون **to**

**توجه:** since در دو مفهوم جداگانه بکار می رود الف برای بیان منظور ، ب برای نشان دادن شروع زمان مقایسه کنید.

reason : He took an extra quarter of English since his TOEFL Score was so low.

او یک دوره کلاس زبان اضافی را ثبت نام کرد، زیرا نمره تافل او خیلی کم بود.

time : He has been studying very hard since the new quarter began. او از ابتدای ترم خیلی سخت در حال مطالعه بوده است.

[ اسم + because of ]

The football match was not held because of the rain.

مسابقه فوتبال به خاطر باران برگزار نشد.

## Self Test

- The man hired a car ..... he could carry the sick child to the hospital.  
1) because                      2) in order to                      3) so that ✓                      4) for
- He has to wear dark glasses ..... the sunshine may not hurt his eyes.  
1) for                      2) in order to                      3) so that ✓                      4) because
- The teacher usually puts on her glasses ..... read and write better.  
1) so that                      2) because                      3) in order to ✓                      4) in order that
- I gave my friend my telephone number ..... she could contact me if necessary.  
1) unless                      2) in order that ✓                      3) because                      4) whether
- The customer asked the shopkeeper for a bag ..... But the fruit in .  
1) for                      2) to ✓                      3) in order that                      4) because of

## Self Test

- I won't lend you my dictionary ..... you promise to return it soon.  
1) because                      2) however                      3) otherwise                      4) unless ✓
- My car ran out of gas ..... I could not get there in time.  
1) moreover                      2) otherwise                      3) therefore ✓                      4) besides
- "How long have you been here?" "..... I was a boy.  
1) since ✓                      2) until                      3) when                      4) while
- we use water in many ways ..... drinking it.  
1) in addition                      2) besides ✓                      3) although                      4) however
- I'm very busy this afternoon, ..... I would go out with you.  
1) although                      2) because                      3) otherwise ✓                      4) nevertheless
- They talked to him for hours, ..... he couldn't understand what they meant.  
1) yet                      2) thus                      3) even though                      4) otherwise ✓
- The doctors did their best to save my grandfather's life, ..... it was too late.  
1) because                      2) otherwise                      3) although ✓                      4) unless
- I will be waiting for you ..... you come back.  
1) when                      2) while                      3) since                      4) until ✓
- Tomas Edison went to school for a few weeks, ..... he became a famous inventor.  
1) however                      2) thus                      3) therefore                      4) because

10. No - one can succeed in life ..... he has prepared for it.  
1) whether                                  /2) unless                                  3) until                                  4) so
11. 'Howoften does the airport bus leave?' '.....'  
1) About twenty hours                                  /2) At then o'clock  
3) For half an hour                                  /4) Every ten minutes
12. 'Good morning, sir . May I see your ticket, please' ? '.....'  
1) I'm sorry                                  2) It's all right                                  /3) here it is                                  4) help yourself
13. 'You've given me the wrong change' ' oh!.....'  
/1) I do apologize                                  2) That would be nice                                  3) Thanks a lot                                  4) what a pity
14. 'I've spilt some ink on my new jacket.' '.....'  
1) How wonderful                                  2) please, excuse me                                  /3) what a pity                                  4) that's all fine
15. ' where's the post office located'? '.....'  
1) There's one post office here                                  /2) It's close to Azadi cinema  
3) You can go there by a taxi                                  4) It usually opens at seven

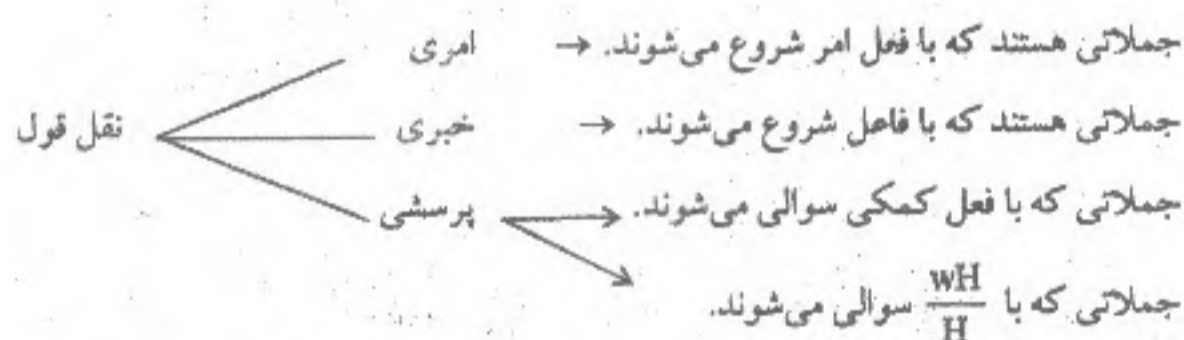
## &lt; DIREC / INDIRECT SPEECH &gt;

## &lt; نقل قول مستقیم و غیر مستقیم &gt;

X Said to Y, "State ment"

فعل گزارشی                                  مین گفته شخص

ساختمان یک جمله نقل قول مستقیم :



**توضیح:** اگر گفته شخصی را بی آنکه تغییری در آن به وجود آوریم بخواهیم نقل کنیم، آن را نقل قول مستقیم گوئیم. ولی اگر تغییراتی از قبل ضمائر، زمان و غیره در آن اعمال شود آن را غیر مستقیم گویند.

مانند: پدر به من گفت، من سر کارم می روم (نقل قول مستقیم)  
پدر به من گفت که او سر کارش رفت. (نقل قول غیر مستقیم)

My father said to me, 'I go to my work'.  
My father told me ( that ) he went to his work.

## الف: &lt; نقل قول امری &gt;

مستقیم {Reza said to Maryam, 'please help me with my English'.

غیر مستقیم { Reza asked Maryam to help him with his English

رضا از مریم تقاضا کرد به انگلیسی او کمک شود.



برای تبدیل نقل قول امری از مستقیم به غیر مستقیم مراحل زیر باید رعایت شود.

۱- said to به asked تبدیل می شود.

۲- علائم نقل قول حذف می شود.

۳- please از جمله حذف می شود.

۴- فعل امر به صورت مصدر نوشته می شود.

۵- ضمائر و صفات ملکی براساس گفته ها تغییر می کنند.

۶- اگر فعل امر به صورت منفی باشد، Don't به not to تبدیل می گردد.

(مستقیم) My mother ordered me, Don't put on your dirty shoes inside".

(غیر مستقیم) My mother ordered me not to put on my dirty shoes inside.

مادر دستور داد که من کفشهای کثیفم را در داخل منزل نپوشم.

ب: < نقل قول خبری مستقیم >

Maryam said to Reza, ' I don't have time to teach you now'.

رضا به مریم گفت که من الان وقت ندارم به شما درس بدهم.

توجه: برای تبدیل نقل قول خبری از مستقیم به غیر مستقیم، باید مراحل زیر رعایت شود.

۱- said to به told تبدیل می شود ←

1) Maryam told Reza

۲- علائم نقل قول حذف می شود، در صورت اختیار از that ( که ) استفاده می کنیم.

2) Maryam told Reza that

۳- ضمائر و صفات ملکی براساس گفته ها تغییر می کنند.

3) Maryam told Reza that she

۴- اگر فعل گزارشی ( said to ) در یکی از زمانهای گذشته ( گذشته ساده استمراری و کامل ) صرف شده باشد، فعل داخل گیومه را طبق

جدول زمانی یک درجه به عقب می بریم. در غیر این صورت مجاز به استفاده از جدول زمانی نخواهیم بود.

جدول زمانی حال	مستقیم	go / goes	is / am / are going	has / have gone	don't go
	غیر مستقیم	went	was / were going	had gone	didn't go

جدول زمانی گذشته	مستقیم	went	was / were going	had gone
	غیر مستقیم	had gone	$\frac{was}{were}$ going / had been going	had gone

جدول زمان آینده	مستقیم	will go	can go	may go	must go	am / is / are going to
	غیر مستقیم	would go	could go	might go	must go / had to go	was / were going to

چون فعل گزارشی ( said to ) در زمان گذشته صرف شده، پس می توانیم از جدول زمانی استفاده کنیم.



## 4) Maryam told Reza (that) she didn't have time

توجه: ضمیر مفعولی you در جمله فوق به him تبدیل می شود چون به رضا اشاره می کند.

بنابراین:

Maryam told Reza ( that ) she didn't have time to teach him.

۵. قیدهای زمانی براساس جدول زیر تغییر می کنند.

جدول قیدهای زمانی	مستقیم	now	tomorrow	yesterday	ago
	غیر مستقیم	then	the following day the day after	the previous day the day before	before

## 5) Maryam told Reza (that) she didn't have time to teach him then.

توجه: همانطور که ملاحظه می کنید جمله فوق با رعایت مراحل خاص به غیر مستقیم تبدیل شد.

تکته: فقط جملات شرطی نوع اول در نقل قول خبری غیر مستقیم به نوع دوم شرطی تبدیل می شود.

My teacher said to me, " If you study hard, you will pass "

My teacher told me if I studied hard , I would pass.

( نقل قول پرسشی )

الف: جملاتی که با افعال کمکی سوالی می شوند.

مستقیم {Reza said to Maryam, " can you teach me tomorrow?"

رضا به مریم گفت: آیا می توانی فردا به من درس بدهی؟

مراحل تبدیل یک نقل قول پرسشی از دسته الف به غیر مستقیم:

۱- Said to به asked تبدیل می شود.

۲- علائم نقل قول حذف شده و به جای کاما از If ( آیا ) یا از whether ( آیا ) استفاده می شود.

۳- جمله از حالت سوالی خارج می شود.

۴- بقیه موارد مانند مراحل قبل می باشد. ( در بخش نقل قول غیر مستقیم خبری ذکر گردید.)

نتیجه → Reza asked Maryam if she could teach him the following day.

ب: جملاتی که با H و WH سوالی می شوند.

غیر مستقیم {Maryam said to Reza, ' what time will you be at hime tomorrow?"

مریم به رضا گفت که چه ساعتی شما در منزل هستید؟

برای تبدیل نقل قول پرسشی از نوع ب به غیر مستقیم باید مراحل زیر رعایت شود.

۱- said to به asked تبدیل می شود.

۲- علائم نقل قول حذف می شود.

۳. کلمه پرسش را عیناً در جمله غیر مستقیم می نویسم.

۴. جمله را از حالت سوالی خارج می کنیم.

۵. زمان فعل داخل گیومه را طبق جدول زمانی یک درجه به عقب تغییر می دهیم.

۶. ضمائر و صفات ملکی بر اساس گفته ها تغییر می کنند.

۷. قیدهای زمان طبق جدول قیدهای زمانی باید تغییر کند.

نتیجه → Maryam asked Reza what time he would be at home the following day.

مریم از رضا پرسید که او چه ساعتی فردا در منزل خواهد بود.

### Self Test

- He told his mother that .....  
 1) I am going away tomorrow  
 2) I was going away yesterday  
 3) he was going away the following  
 4) he is going a way the day before
- The policeman said, " don't park the car here ". He warned me ..... the car there.  
 1) not parking  
 2) don't park  
 3) not to park  
 4) not park
- The janitor said that he ..... the front door before he left.  
 1) had locked  
 2) is locking  
 3) has locked  
 4) was locking
- She said to me, " I am tired now ". she told me that .....  
 1) she is tired now  
 2) she was tired then  
 3) I am tired now  
 4) I was tired then
- Zahra's mother came into the room and asked her what ..... doing.  
 1) is she  
 2) she is  
 3) she was  
 4) was she
- He said that he ..... at Azadi Hotel for about one month.  
 1) can stay  
 2) has stayed  
 3) had stayed  
 4) will stay
- The teacher asked susan and Mary why they ..... their homework the previous night.  
 1) haven't done  
 2) hadn't done  
 3) didn't do  
 4) weren't doing
- He hoped that we ..... the party the following day.  
 1) enjoy  
 2) have enjoyed  
 3) will enjoy  
 4) would enjoy
- we didn't finally learn if he ..... the trip to kerman.  
 1) has made  
 2) could make  
 3) was made  
 4) must made
- She asked the doctor whether ..... good for children to watch T.V from very near.  
 1) did he think it was  
 2) does he think it is  
 3) he thought it was  
 4) he thinks it is
- the man asked me when I ..... to start my new job.  
 1) have been going  
 2) were going  
 3) was going  
 4) will be going



12. They wanted to know how we ..... on that subject.  
 1) had been working      2) have been working      3) were worked      4) would have worked
13. Amir's father asked if he ..... the museum the following day.  
 1) had to visit      2) had visited      3) is going to visit      4) has visited
14. Mary and John said they ..... good progress in their studies then .  
 1) are making      2) have made      3) had made      4) were making
15. the judge says that his court ..... the guilty.  
 1) punish      2) will punish      3) would punish      4) could punish

تکته: فرمول [ گذشته ساده + فاعل + گذشته ساده + فاعل ] و [ when + فاعل + گذشته ساده + فاعل + گذشته استمراری + فاعل + ]

در نقل قول خبری غیر مستقیم از لحاظ زمانی تغییر نخواهد کرد. مانند:

مستقیم Reza said , " when I saw the police, I stopped ."

غیر مستقیم Reza said when he saw the police, he stopped .

مستقیم Maryam said , " while I was driving , I saw my friend ."

غیر مستقیم Maryam said while she was driving , she saw her friend .

### Reading skills Exercises

A. Each row consists of a " test word" followed by five other words. Put a check mark ( ✓ ) next to the word which is the same as the test word. You have 40 seconds to do this exercise.

#### Test Word

1. bear	bare	bore	Bear	deer	dear
2. kite	kid	kit	Kin	kite	kill
3. spot	sport	spot	plots	pots	stop
4. star	store	steer	star	start	stare
5. cold	gold	told	Sold	cold	fold
6. sew	saw	sew	Was	few	law
7. peer	deer	dear	Pear	peer	pare
8. lunch	punch	lunch	launch	hunch	bunch
9. lump	plum	lump	limp	lamp	lamb
10. duck	desk	deck	rock	duck	peck
11. diods	diods	diops	drops	drips	Dopes
12. fright	bright	plight	right	blight	Fright
13. train	trail	dail	train	rain	trial
14. meat	meal	meet	meat	mote	Mate
15. hear	heal	heel	hear	hale	Hare
16. strap	scrap	strap	strip	scrape	Script
17. flew	blew	view	flew	few	flaw
18. sore	soar	sear	sore	seare	Sort
19. pest	past	post	pats	pest	Pets
20. law	low	lawn	law	row	Raw

B. Each row consists of a "test word" followed by five other words. Put a check mark ( ✓ ) next to the words that are the same as the test word. You have 30 seconds to do this exercise.

Test word

1. ship	sheep	slip	ship	hips	ship
2. break	brake	break	brick	break	bleak
3. lack	lock	lick	lack	lark	lack
4. taste	taste	toast	taste	taste	test
5. shop	ship	shop	chop	shod	shop
6. best	bets	best	pest	best	pets
7. blue	clue	blue	blue	que	cue
8. flesh	flash	flesh	clash	flesh	slash
9. stay	sway	stay	away	stay	stay
10. both	both	bath	path	both	booth
11. door	deer	door	doer	dear	door
12. oven	oven	over	oven	omen	oven

C. In each row you are given a pair of phrases. Underline " S " if they are the same and " D " if they are different. You have 20 seconds to do this exercise.

same / different.

1. new book	new look	S	D
2. too early	too early	S	D
3. more shirts	wore shirts	S	D
4. never ready	never ready	S	D
5. hear them	fear them	S	D
6. make up	wake up	S	D
7. really nice	really nice	S	D
8. look over	took over	S	D
9. turn down	burn down	S	D
10. bus stop	bus top	S	D
11. hold tight	hold right	S	D
12. have time	have time	S	D
13. call later	call latter	S	D
14. fall down	Call down	S	D
15. full up	pull up	S	D
16. pretty soon	pretty moon	S	D
17. walk out	watch out	S	D
18. talk softly	walk softly	S	D



II. Reading skills Exercises

A. put a check mark (v) next to the word which the closest Meaning to the test word. ( In one minute )

( Test word )

1. large	yellow	round	big	middle
2. near	pretty	small	large	close
3. sick	ill	happy	sad	down
4. answer	raise	save	reply	say
5. begin	feel	leave	smart	start
6. fight	plant	end	labor	battle
7. simple	easy	short	long	ready
8. people	person	crowd	folk	group
9. enjoy	like	offer	remove	gather
10. road	shop	street	alley	view
11. noise	sound	maid	company	trouble
12. certainly	usually	very	surely	suddenly
13. observe	promise	pull	watch	turn
14. occur	reach	happen	gather	thank
15. center	middle	near	far	around
16. aid	pain	Help	race	value
17. entire	proper	Mild	whole	hole
18. several	some	few	little	much
19. request	talk	say	ask	tell
20. finish	make	complete	end	divide

B. underline ' S ' if they are the same and ' O ' if they are opposite. ( In one minute )

1. sell	buy	S	O
2. late	early	S	O
3. tale	story	S	O
4. war	peace	S	O
5. glad	happy	S	O
6. calm	quiet	S	O
7. much	little	S	O
8. dry	wet	S	O
9. few	many	S	O
10. soon	early	S	O
11. sick	ill	S	O
12. true	false	S	O
13. joy	happiness	S	O
14. dine	eat	S	O
15. dirty	clean	S	O
16. speak	talk	S	O
17. cheap	expensive	S	O
18. long	short	S	O
19. full	empty	S	O
20. enjoy	like	S	O

C. Match the items in column I with their appropriate equivalents  
in column II

I	Column II
1. dryer	a. something that is used to open things
2. cutter	Something for keeping time
3. timer	b. someone on a ball team
4. opener	c. something that is used to cut some thing
5. cleaner	d. someone who gives lessons
6. farmer	e. something that is used to dry hair
7. winner	f. someone who raises crops and animals
8. adviser	g. something that is used for cleaning
9. teacher	h. someone who gets a prize
10. player	i. Someone who offers suggestions

D. underline the answers to the questions.

1. which can you open and shut ?	A suitcase or a staircase?
2. which would you sleep in ?	A bathroom or a bedroom?
3. which would you polish your shoes with?	Sunshine or a shoeshine?
4. which would bring you a letter?	A mailbox or a mailman?
5. which could you make ?	A snowball or a basketball?
6. which could you write on?	A black board or a dashboard?
7. which could you listen to ?	A story book or a story teller?
8. which would you iron ?	A tablecloth or a work table?
9. which could you stand in ?	A door bell or a door way?
10. which might bite you?	A watch man or a watch dog?

< پسوندهای اسم ساز > < اسم → پسوند + فعل >

	فعل	اسم
-ment	to argue	argument
	to pay	payment
	to govern	government
	to agree	agreement
	to punish	punishment
	to employ	employment
- a tion	to consider	consideration
	to inform	information
	to examine	examination
	to prepare	preparation
	to combine	combination
	to admire	admiration



زبان عمومی

	to refer	reference
	to attend	attendance
- ance	to accept	acceptance
- ence	to exist	existence
	to perform	preference
	to disturb	disturbance
	to teach	teacher
	to direct	director
- er	to manage	manager
- or	to govern	governor
	to paint	painter
	to employ	employer
	to confuse	confusion
	to decide	decision
- sion	to divide	division
	to profess	profession
	to impress	impression
	to revise	revision
	to arrive	arrival
	to propose	proposal
- al	to refuse	refusal
	to approve	approval
	to dismiss	dismissal
	to deny	denial
	to depart	departure
	to fail	failure
- ure	to mix	mixture
	to please	pleasure
	to legislate	legislature
	to press	pressure



## پسوندهای اسم ساز

[ اسم → پسوند + صفت ]

صفت

	kind	kindness
	quiet	quietness
-ness	thick	thickness
	happy	happiness
	useful	usefulness
	sleepy	sleepiness

	active	activity
	curious	curiosity
-ity	real	reality
	stupid	stupidity

## پسوندهای صفت ساز

صفت → پسوند + اسم

	the snow	snowy
	the cloud	cloudy
	the sun	sunny
-y	the water	watery
	the wealth	wealthy
	the fun	funny

	the history	historic
	the artist	artistic
	the athlete	athletic
-ic	the photograph	photographic
	the base	basic
	the electron	electronic

زبان عمومی

	اسم	صفت
	the danger	dangerous
-ous	the mystery	mysterious
	the fame	famous
	the poison	poisonous
	the victory	victorious
	the power	powerful
-ful	the skill	skillful
	the success	successful
	the beauty	beautiful

« پسوندهای صفت ساز »

[ صفت → پسوند + فعل ]

	فعل	صفت
-ive	to create	creative
	to attract	attractive
	to select	selective
	to prevent	preventive
	to possess	possessive
	to instruct	instructive
-able -ible	to pay	payable
	to agree	agreeable
	to remark	remarkable
	to sense	sensible
	to perish	perishable
	فعل	صفت
-ent -ant	to please	pleasant
	to confide	confident
	to urge	urgent
	to depend	dependent
	to excel	excellent

## پسوندهای قید ساز

[ قید → ly + صفت ]

	<u>صفت</u>	<u>قید</u>
	noisy	noisily
	heavy	heavily
-ly	easy	easily
	careful	carefully
	final	finally
	social	socially
	confident	confidently

## &lt; پسوندهای فعل ساز &gt;

[ فعل → پسوندها + صفت ]

	<u>صفت</u>	
-ize	real	to realize
	familiar	to familiarize
	central	to centralize

## &lt; پسوندهای فعل ساز &gt;

[ فعل → پسوندها + اسم ]

	<u>اسم</u>	
-ize	organ	to organize
	author	to authorize



## &lt; COMPREHENSION One &gt;

No one knows who made the first cheese, but an old legend says that it was an Arabian merchant. He put his milk in a pouch made from a sheep's stomach and set off across the desert. The jouncing of his camel, the desert heat, and the chemicals in the pouch lining made the milk separate into curds and whey. The thick part, or curd, was the first cheese.

Ancient records show that cheese had been eaten for more than four thousand years. From earliest times it has been considered a very nourishing food. Americans eat less cheese than people in some countries do, yet they still consume eight to ten pounds a year per person.

Today cheese is made all over the world. Most cheese is made from cow's milk, because the supply of this milk is greater throughout the world. Smaller quantities come from the milk of other animals- goats, sheep, camels, and even reindeer.

1. The story of the Arabian merchant is

- 1) recorded in history books
- 3) an old legend that may be true

- 2) undoubtedly true
- 4) found in ancient records

2. The milk separated because of

- 1) the jouncing of the camel
- 3) chemicals in the pouch

- 2) the coolness of the desert
- 4) both A and C

3. Cheese is made of

- 1) whole milk before it separates
- 3) the whey of milk

- 2) the curd of milk that has separated
- 4) curds and whey mixed

4. Cheese has been used as food

- 1) for only a few years
- 3) in only a few countries

- 2) for more than 4000 years
- 4) both B and C

5. According to the selection, cheese is considered very

- 1) unusual
- 2) tasty

- 3) nourishing
- 4) hard to make

6. Most cheese is made from cow's milk because other kinds of milk

- 1) are not so easy to obtain
- 3) do not have curds and whey

- 2) will not separate
- 4) are not so nourishing

## &lt; COMPREHENSION One &gt;

## Vocabulary:

legend	افسانه - داستان	lining	لایه درونی - آستر	consume	مصرف کردن
merchant	بازرگان	curd	شیر بسته و مفت	per	هر
Pouch	مَشک - کیسه	whey	زرد آب	supply	موجودی - تهیه مایحتاج
journing	بالا و پائین رفتن	ancient	باستان	throughout	سراسر
stomach	معدده شکم	consider	در نظر گرفتن	reindeer	گوزن شمالی
Set off	عازم شدن	nourishing	مغزی		

## &lt; COMPREHENSION Two &gt;

For every man in the Civil war who died in battle, two or three men died of disease. Doctor of that time knew very little about causes of sickness or ways of preventing it. Thousands of men in poor health became soldiers. Hundreds of others had never had childhood diseases. Many of these soldiers could not withstand the epidemics of measles, mumps, and whooping cough that went through the camps.

Army life was hard soldiers got few fruits or vegetables. There was no milk unless they happened to find a cow. Neither their clothes nor their shelters protected the troops from rain, snow, and cold. Sickness and disease were spread by insects, rats, and impure drinking water. Often the men drank straight from muddy streams.

Gunshot wounds were serious, as in any war, but they did not cause as much death and suffering as disease did.

## 1. Disease caused

- |                                |                                 |
|--------------------------------|---------------------------------|
| 1) only a few deaths           | 2) fewer deaths than wounds did |
| 3) more deaths than wounds did | 4) both A and B                 |

## 2. Doctors at the time of the Civil War knew

- |                                |                                       |
|--------------------------------|---------------------------------------|
| 1) a lot about curing disease  | 2) little about the causes of disease |
| 3) only how to prevent disease | 4) both B and C                       |

## 3. Men who were accepted as Civil War soldiers were

- |                                                |                                     |
|------------------------------------------------|-------------------------------------|
| 1) known to have already had measles and mumps | 2) required to be in perfect health |
| 3) able to withstand epidemics easily          | 4) sometimes in poor health         |

## 4. Army life was hard on the troops because

- |                                            |                              |
|--------------------------------------------|------------------------------|
| 1) they were not sheltered from the cold   | 2) they had no warm clothing |
| 3) their diets lacked good, healthful food | 4) all of the above          |

## 5. Insects and rats were dangerous because they

- |                          |                                 |
|--------------------------|---------------------------------|
| 1) destroyed food        | 2) carried disease              |
| 3) made the water impure | 4) ruined the soldiers clothing |



6. The best title for this selection is

- |                                      |                             |
|--------------------------------------|-----------------------------|
| 1) Disease                           | 2) The Greatest Danger      |
| 3) Insects, Rats, and Gunshot Wounds | 4) The History of Epidemics |

### <COMPREHENSION Two>

#### Vocabulary:

Civil war جنگ‌های داخلی [جنگ‌های داخلی در آمریکا از سال ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۵ و در انگلیس جنگ بین پارلمان و طرفداران اختیارات مطلقه سلطنت بین سالهای ۱۶۴۲ تا ۱۶۵۲]

battle	جنگ - نبرد	whooping cough	سياه سرفه
disease	بیماری	shelter	پناهگاه سایه بان
cause	علت	troop	نیروی نظامی
prevent	جلوگیری کردن	spread	گسترش دادن
childhood	دوران کودکی	muddy	گل آلود
withstand	تحمل کردن / مقاومت کردن	stream	رود - جریان
measles	سرخک	gun shot wound	زخم گلوله
mumps	اریون		

### <COMPREHENSION Three>

Finding enough meat was a problem for primitive man. Keeping it for times when it was scarce was just as hard. Three ways were found to keep meat from spoiling: salting, drying, and freezing.

People near salty waters salted their meat. At first they probably rubbed dry salt on it, but this preserved only the outside. Later they may have pickled their meat by soaking it in salt water.

In hot, dry lands, men found that they could eat meat that had dried while it was still on the bones. They later learned to cut meat into thin strips and hang it up to dry in the hot air.

Men in cold climates found that frozen meat did not spoil, They could leave their meat outside and eat it when they pleased.

1. Some tribes learned that they could pickle meat by

- |                           |                             |
|---------------------------|-----------------------------|
| 1) rubbing dry salt on it | 2) soaking it in salt water |
| 3) cooking it with salt   | 4) cutting it into strips   |

2. The tribes in the desert learned to dry meat by

- |                                           |                                               |
|-------------------------------------------|-----------------------------------------------|
| 1) hanging it up in strips in the hot air | 2) leaving the animals where they were killed |
| 3) hanging it in strips over their fires  | 4) leaving the meat on the bones              |

3. The method used to keep meat from spoiling depended on

- 1) how much meat had to be kept  
2) where the tribe lived  
3) how long the meat had to be kept  
4) both B and C

4. It seems true that

- 1) freezing was the easiest way to keep meat  
2) pickling was the best way to keep meat  
3) dried meat stayed fresh the longest  
4) none of these was a good way to keep meat

5. The best title for this selection is

- 1) How to pickle meat  
2) Finding enough meat  
3) primitive man  
4) Man learns to preserve meat

### <COMPREHENSION Three>

#### Vocabulary:

primitive	ابتدائی - اولیه	preserve	محافظةت کردن
scarce	کمیاب - نادر	pickled	در آب نمک انداختن
spoiling	خرابی، فاسد شدن	soak	خیساندن / فرو بردن در آب
salting	نمک سود	bone	استخوان
rub	مالش دادن	strip	نوار - باریک

### <COMPREHENSION Four>

A tornado can do a lot of damage. The wind of a tornado rushes at great speed around a funnel-shaped cloud. It travels in a path a few hundred feet wide and about twenty - five miles long. As the wind circles counterclockwise, the funnel spirals higher and higher. The force of the wind sucks up water, dirt, and objects, and carries them along with it. It may drop them again many miles away. Houses and huge trees have been drawn into tornado funnels. At sea, ships have been nearly sunk by tornadoes water on them.

East of Australia, people talk about a "rain of blood". This is caused by a tornado picking up red dust and mixing it with water to make red rain. There are even stories about a rain of fish and frogs caused by a tornado sucking them up and then dropping them.

1. A tornado is a

- 1) rainstorm  
2) dust storm  
3) great circling wind  
4) huge funnel of water

2. The path of a tornado is usually

- 1) short and narrow  
2) wider than it is long  
3) longer than it is wide  
4) both A and B

3. The wind in a tornado usually travels

- 1) straight up  
2) up and around  
3) down  
4) down and around



4. Ships have nearly been sunk when tornadoes have

1) drawn them into the funnel

2) dropped water on them

3) blown them in the wrong direction

4) dropped tree on them

5. The "rain of blood" east of Australia is a made of

1) fishes and frogs

2) red dust ad water

3) rusty water

4) real blood

#### <COMPREHENSION Four>

##### Vocabulary:

damage

زیان خسارات

rush.

با عجله وشتاب رفتن

funnel

قیف

counter clockwise

خلاف عقربه ساعت

spiral

حرکت مارپیچی

suck

مکیدن

huge

عظیم، بزرگ

sink

غرق شدن

pick up

از زمین برداشتن

drop

به پائین انداختن

#### <COMPREHENSION Five>

Thomas Alva Edison was awarded more patents on inventions than any American. When he died in 1931, Americans wondered how they could best show their respect for him.

One suggestion was that the nation observe a minute or two of total blackout. All electric power would be shut off in homes, streets, and factories.

Perhaps this suggested plan made Americans realize fully what Edison and his inventions meant to them. Electric power was too important to the country. Shutting it off for even a short time would have led to complete confusion. A blackout was out of the question.

On the day of Edison's funeral, many people silently dimmed their lights. In this way they honored the man who had done more than anyone else to put the great force of electricity at his countrymen's fingertips.

1. This selection says that Thomas Edison

1) was the only important American inventor

2) received the first American patent

3) received more patents than any other American

4) was the first American inventor





2. People decided to honor Edison when
- 1) he made the first electric light
  - 2) electric power was 100 years old
  - 3) the country realized electricity's importance
  - 4) he died in 1931
3. The suggested plan was to
- 1) turn off the lights in factories and school
  - 2) observe a few minutes of total silence
  - 3) dim all electric lights
  - 4) shut off all electricity for a short time
4. Americans fully realized what Edison's inventions meant when they
- 1) heard of his death
  - 2) heard of the plan to honor him
  - 3) first used electric power
  - 4) tried to carry out the plan
5. The plan was never carried out because
- 1) not everyone wanted to honor Edison
  - 2) it was too difficult
  - 3) electric power was too important to the country
  - 4) it honored only one of Edison's inventions
6. This selection was probably written to
- 1) tell about Edison's inventions
  - 2) explain electricity
  - 3) prove that people wished to honor Edison
  - 4) show what a great man Edison was

### <COMPREHENSION Five>

#### Vocabulary:

award	اعطا کردن - جایزه	realize	فهمیدن
patent	ثبت اختراع	lead to	منجر شدن به
invention	اختراع	confusion	اختشاش
wonder	به فکر فرو رفتن	funeral	تشییع جنازه
respect	احترام گذاشتن	countrymen	هموطنان
black out	خاموشی	fingertip	نوک انگشت

### <COMPREHENSION Six>

We have just climbed out of a spaceship onto the surface of the moon. Behind us is the ship, half in the sunlight and half in deep shadow. A few miles ahead is a wall of mountains towering against the black sky. And there, as though resting on the mountains, is a great ball of light, beautifully colored in blue and green and brown with a patch of dazzling white at the top. It is our own far away world - the earth.

We take a step and rise like prize jumpers - up, float, and down again. Hopping carefully, we explore the valleys, the sloping crater walls, the shadowy crater floors.

Not a sound can be heard - there is no air no plants, no animals. There is nothing but rock and dust, blinding sunlight and cold black shadows.

1. This selection is written as though

1) you were on earth

3) the writer were on the moon

2) the writer were on the earth looking at the moon

4) you were on the moon with the author

2. The ball above the mountains is

1) the sun

2) a man - made satellite

3) the earth

4) a star

3. To get around on the moon, man would

1) float through the air

2) walk heavily

3) hop carefully

4) ride in a spaceship

4. The moon is a silent world because it lacks

1) animals

2) human beings

3) air

4) both A and B

5. In exploring the moon's surface, you would not find

1) blinding sunlight

2) craters and valleys

3) plants and animals

4) rocks and dust

### <COMPREHENSION Six>

#### Vocabulary:

surface

سطح

valley

دره

shadow

سایه - تاریکی

crater walls

دیواره‌های آتشفشانی

tower

برج

sloping

شیب‌دار

hop

آهسته قدم برداشتن

blind

کور - نابینا

explore

کشف کردن

prize  
jumpers

پرنده‌های حرفه‌ای

### < Comprehension Seven >

Man's first real invention, and one of the most important inventions in history, was the wheel. All transportation and every machine in the world depend on it.

The wheel is the simplest yet perhaps the most remarkable of all inventions, because there are no wheels in nature - no living thing was ever created with wheels. How, then, did man come to invent the wheel?

Perhaps some early hunters found that they could roll the carcass of a heavy animal through the forest on logs more easily than they could carry it. However, the logs themselves weighed a lot.

It must have taken a great prehistoric thinker to imagine two thin slices of log connected at their centers by a strong stick. This would roll along just as the logs did, yet be much lighter and easier to handle. Thus the wheel and axle came into being, and with them the first carts.

1. The wheel is important because

1) it was man's first real invention

3) every machine depends on it

2) all transportation depends on it

4) both B and C



2. The wheel is called
- 1) simple                      2) complicated                      3) strange                      4) unusual
3. It was remarkable of man to invent the wheel because
- 1) it led to many other inventions                      2) man had no use for it then  
3) there were no wheels in nature                      4) all of the above
4. The wheel was probably invented by
- 1) a group of early hunters                      2) the first men on earth  
3) a great prehistoric thinker                      4) the man who made the first cart
5. This selection says that the first wheel may have been a
- 1) round piece of stone                      2) heavy log                      3) piece of metal                      4) slice of log
6. The idea for it may have come from
- 1) chasing an animal                      2) rolling a carcass on logs  
3) watching a rolling stone                      4) watching running animals

#### <COMPREHENSION Seven>

transportation	حمل و نقل	weigh	وزن داشتن
depend on	وابسته به	stick	یک تکه چوب
remarkable	قابل ملاحظه	axle	محور
nature	طبیعت	cart	گاری
perhaps	شاید		
carcass	لاشه - جنازه		
log	کنده درخت		

#### <Comprehension Eight >

Plants seem to know which way is up and which way is down; furthermore, they seem to know right from left. If a cutting from a Lombardy poplar is kept alive, new shoots will grow from the end that grew uppermost in the tree.

There is no visible difference between the top and the bottom of the living stick, even under a microscope. Even so, the stick will not send out shoots from the end it views as bottom even if this end happens to be on top!

Scientists studying this subject further split their cuttings lengthwise. To their surprise, they made another interesting discovery. A good many more buds grew on the right - hand side of the split surface than on the left. They split the sticks again and found that the buds again grew on the right side.

The results of the entire study showed a 60-40 preference for the right side, proving that growing plants are basically "right - handed."

1. "Up" and "down" on a cutting are determined by the
  - 1) position in which the cutting is planted
  - 2) kind of plant from which the cutting was taken
  - 3) "up" and "down" of the original plant
  - 4) size of the cutting
2. Scientists examining the ends of a fresh cutting find
  - 1) very little difference between them
  - 2) one end slightly darker than the other
  - 3) no difference between them
  - 4) a difference that only the microscope reveals
3. If a cutting is placed upside down in the laboratory
  - 1) the part on top will sprout leaves
  - 2) the original "up" will sprout leaves
  - 3) leaves will grow at either end
  - 4) the cutting will not develop at all
4. If the cutting is sliced in half lengthwise, the buds will
  - 1) appear mostly on the right edge of the surface
  - 2) all appear on the left edge of the surface
  - 3) not grow at all
  - 4) grow on the "down" end
5. When scientists split the sticks a second time, the cuttings
  - 1) failed to bud again
  - 2) still exhibited "right-handedness"
  - 3) no longer exhibited knowledge of left and right
  - 4) appeared to lose knowledge of original up and down.
6. The best title for this selections is
  - 1) Growing Plants Have a Sense of Direction
  - 2) A Well - known Plant Experiment
  - 3) How Plants Grow
  - 4) The Basis for Right - Handedness

<COMPREHENSION Eight>

Vocabulary:

furthermore	علاوه بر	sprout	سبز شدن - جوانه زدن	preference
cutting	برش	reveal	آشکار شدن	ترجیح - رجحان - برتری
poplar	درخت تبریزی	leaf	برگ	
alive	زنده	leaves	برگها	
shoot	جوانه	develop	توسعه دادن - به وجود آمدن	
uppermost	برجسته - بالاترین	edge	لبه	
visible	قابل رویت	split	دو نیم کردن	
bottom	ته - کف	exhibit	نشان دادن - ارائه دادن	
split	شکاف - ترک - دو نیم کردن	knowledge	دانش - معرفت - علم	
discovery	اکتشاف	basis	پایه - اساس - اصول	
bud	غنچه - جوانه	prove	اثبات کردن	

## &lt;Comprehension Nine &gt;

Columbus made four voyages to the west between 1492 and 1504 in his vain search for a sea route to Asia. The mystery of why he failed to find it haunted him and filled him with sadness.

Wherever he went – to Cuba, Puerto Rico, Jamaica, South America, Panama, down the coast of Central America- it was always the same story. Instead of golden palaces, there were grass huts and palm – leaf tents. Instead of silk- robed merchant princes, he found “Indians” who did not have so much as a shirt on their backs.

At times Columbus became reconciled to the truth that this new land was not China, not Japan , not the Spice Islands. He seemed to accept it as a part of the earth that the geographers of Europe had never heard of before. It was another world – and he called it exactly that – but Columbus also insisted until he died that the land he had reached was an unknown part of Asia.

1. In the course of his four voyages, Columbus succeeded in
  - 1) finding China and the Spice Islands
  - 2) visiting several parts of Central and South America
  - 3) trading with many merchants
  - 4) sailing to Asia
2. According to this selection, Columbus sailed in order to find
 

1) new lands for the king	2) a water route round the world
3) a new way to reach Asia	4) both B and C
3. Each time he landed, Columbus expected to find
 

1) natives in grass huts	2) vast, wild lands
3) established merchants and cities	4) both A and B
4. Columbus thought that
  - 1) others had sailed to Asia before him
  - 2) it was impossible to sail to Asia
  - 3) the land he had found was not China or Japan
  - 4) the geographers knew about the land he had found
5. Columbus always believed that the land he had found was
 

1) China or Japan	2) an unknown part of the world
3) part of Asia	4) both B and C
6. Implied but not stated:
  - 1) Columbus was disappointed with his voyages.
  - 2) There was no way to reach Asia from Europe at that time.
  - 3) Columbus never realized the full meaning of his discovery.
  - 4) Columbus found exactly what he had intended to.

**<COMPREHENSION Nine>**
**Vocabulary**

voyages	سفر دریائی	palace	کاخ	spice	ادویه
route	مسیر- راه	palm	نخل	trading	تجارت
vain	بیهوده	tent	چادر	sail	کشتیرانی کردن
mystery	راز	hut	کلبه	expect	توقع داشتن
fail	شکست خوردن	robe	لباس بلند	native	بومی
haunted	جن زده - جن دار	prince	شاهزاده	imply	تلویحاً فهماندن
fill	پر کردن	reconciled	تن در دادن - فیصله دادن - آشتی کردن - قبول کردن	state	بیان کردن
				intend	قصد داشتن

**< Comprehension Ten >**

All the useful energy at the surface of the earth comes from the activity of the sun. The sun heats and feeds mankind. Each year it provides men with two hundred million tons of grain and nearly ten million tons of wood.

Coal, oil, natural gas, and all other fuels are stored-up energy from the sun. Some was collected by this season's plants as carbon compounds. Some was stored by plants and trees ages ago.

Even waterpower derives from the sun. Water turned into vapor by the sun falls as rain. It courses down the mountains and is converted to electric power.

Light transmits only the energy that comes from the sun's outer layers, and much of this energy that is directed toward the earth never arrives. About nine-tenths of it is absorbed by the atmosphere of the earth. In fact, the earth itself gets only one half- billionth of the sun's entire output of radiant energy.

1. All the useful energy at the surface of the earth comes
  - 1) directly from the sun
  - 2) from the sun's activity
  - 3) from energy stored by the sun
  - 4) from radiation of the sun
2. For mankind, the sun is the source of
  - 1) solar activity
  - 2) all heat
  - 3) all food
  - 4) both B and C
3. Radiant energy is stored as carbon compounds by
  - 1) plants
  - 2) rain
  - 3) coal, oil, and natural gas
  - 4) inflammable substances
4. The sun's energy indirectly provides the earth with
  - 1) fuels
  - 2) waterpower
  - 3) light
  - 4) both A and B
5. The largest part of the radiant energy directed toward the earth is
  - 1) stored by the current season's plants
  - 2) turned into fuel
  - 3) absorbed by the earth's atmosphere
  - 4) used for electric power

6. Of the sun's entire output of radiant energy, we earth receives

- 1) nearly all  
2) about half  
3) a very small portion  
4) all that comes from the sun's outer layers

<COMPREHENSION Ten>

Vocabulary:

activity	فعالیت	course	جاری شدن
feed	تغذیه کردن	convert	تبدیل شدن
mankind	انسان - بشر	transmit	انتقال دادن - ارسال کردن
provide	فراهم کردن - تهیه کردن	outer layer	لایه بیرونی
grain	حب - دانه - غله	direct	هدایت کردن
coal	ذغال سنگ	nine - tenths	نه دهم
fuel	سوخت	absorb	جذب شدن
season	فصل	entire	تمام - کل
compounds	ترکیبات	out put	خروجی
derive	ناشی شدن (از)	radiant	تشنع - نورانی
vapor	بخار		



**REFERENCES**

- I: Advanced Grammar in Use by Martin Hewings**
- II: Communicate What You Mean by Carroll Washington Pollock**
- III: Reading Through Reading**
- IV: Modern English, part II , by Marcella Frank**

**Keys to the Comprehension Questions**

One >	1) 3	2) 4	3) 2	4) 2	5) 3	6) 1
Two >	1) 3	2) 2	3) 4	4) 4	5) 2	6) 4
Three >	1) 2	2) 1	3) 2	4) 1	5) 4	
Four >	1) 3	2) 3	3) 2	4) 2	5) 2	
Five >	1) 3	2) 4	3) 4	4) 2	5) 3	6) 2
Six >	1) 4	2) 3	3) 3	4) 3	5) 3	
Seven >	1) 4	2) 1	3) 3	4) 3	5) 4	6) 2
Eight >	1) 3	2) 3	3) 2	4) 1	5) 2	6) 1
Nine >	1) 2	2) 3	3) 3	4) 3	5) 4	6) 3
Ten >	1) 2	2) 4	3) 1	4) 4	5) 3	6) 3